

قرآن  
از دیدگاه  
جهان  
پیدائش

مؤلف: صلاح الدین سادات

Ketabton.com

### شناسنامه:

نام کتاب: پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن

نام مؤلف: صلاح الدین سادات

برگ آرایبی و طرح جلد: غفران الله آرین

ناشر: ( )

سال نشر: ۱۴۰۴ هـ ش





## مقدمه

باعث تحریر من در باره کائنات این است که اکثر علماء اسلام به این عقده اند که گویا تمام عالم را خداوند ﷻ در شش روز خلق کرده است. این نظریه هم مخالف قرآن است و هم مخالف علم، چراکه تحقیقات علمی ثابت کرده اند، از پیدائیش عالم چهارده و نیم میلیارد سال سپری شده است. اما از پیدائیش زمین فقط چهار و نیم میلیارد سال می‌شود. خداوند ﷻ هم در سوره نازعات، آیت (۳۰) صراحتاً بیان می‌کند که شکل‌گیری زمین بعداً صورت گرفته، سیر تکاملی زمین هم چهار روز را دربر گرفته است و بعد در دو روز دیگر هفت طبقهٔ محافظتی دور زمین را آفرید که نام آنرا آسمان نهاد، چراکه بدون سقفِ محافظتی آن، زندگی کردن در زمین غیرممکن بود. تمام دلایل که من در این مورد ذکر میکنم همه از قرآن کریم آورده شده است و تمام آیات که در این مورد خداوند ﷻ بیان نموده است آیت به آیت، سوره به سوره مفصلاً ذکر نمودم، شما هم می‌توانید این آیات را در قرآن کریم به دقت مطالعه نمائید.

با عرض حرمت

صلاح الدین سادات

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نحمده و نصلی علی رسوله الکریم اما بعد:

موضوع بحث ما در بارهٔ پیدائیش جهان از نظر دینی و علمی میباشد. هرآنچه موجود در کائنات را در کُل خداوند ﷻ نامش را عالم گذاشت و هرآن چیزیکه در این جهان و در جهان آخرت هست را بنام عالمین ذکر نموده است و این جهانیکه ما در آن زندگی می‌کنیم عبارت از کهکشان راه شیری است که اسمش را دنیا گذاشت. سیارهٔ که ما در آن زیست داریم نامش را زمین گذاشت و هفت طبقهٔ محافظتی دور زمین ساخت، نام آنرا آسمان گذاشت.

دانشمندان علوم نجومی به این باور اند که پیدائیش جهان آنی است، یعنی در صدمین ثانیه و از یک انفجار بزرگ شروع شده بعداً به سرعت نور گسترش یافته است و تا هنوز این گسترش ادامه دارد. این نظر دانشمندان را قرآن کریم هم تأیید می‌کند، چنانچه در سورهٔ یاسین، آیت (۸۲) چنین می‌فرماید: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» به تحقیق امر ما وقتیکه امر کنیم چیزی را «شو» آنآ می‌شود. هم‌چنان در سورهٔ قمر، آیت (۵۰) چنین می‌فرماید: «وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ». ترجمه:

نیست امر ما مگر یک چشم برهم زدن. بناءً بین گفته‌های دانشمندان فضایی و قرآن کریم کدام تناقض وجود ندارد. نظر به گزارش علمی، پیدائیش جهان در صدمین ثانیه بوده و از نگاه قرآن هم از کلمه «کُن» پیدا شده است، پس اینجا سوال پیش می‌آید که در چندین جای از قرآن کریم، خداوند ﷻ می‌فرماید: «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ». ترجمه: پیدا کرده خداوند ﷻ آسمان‌ها و زمین را در شش روز، جواب این است که این شش روزیکه ذکر شده است، همه در باره زمین است نه تمام کائنات. چنانچه در مقدمه هم خواندید که سیر تکاملی زمین چهار روز را در برگرفته بعداً در دو روز دیگر گازه‌ای موجود در فضا را محافظ زمین قرار داده است و نام آنرا آسمان گذاشته است، آسمانیکه ذکر می‌شود آخرین جهان نیست بلکه همین آسمانیکه ما به چشم سر می‌بینیم رنگ آبی دارد نیلگون است این آخردنیا نیست بلکه رنگی همان گازهایی است که خداوند ﷻ آنرا در سوره حم سجده به نام دود یاد کرده است. این را بعداً در بحث پیدائیش زمین و آسمان مفصلاً بیان خواهیم کرد.

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۱

### پیدائش زمین و آسمان در شش روز

روزهای که در قرآن کریم ذکر شده است، متفاوت است مثلاً احکام که از عرش به سدرت المنتهی فرستاده می‌شود، ملائیکه‌ها ی مسوول از روی آن تمامی احکام آنرا در زمین طبق مقررات آن عمل می‌کنند. آن روز را یک هزارسال زندگی در روی زمین ذکر نموده است، چنانچه در سوره سجده، آیت (۵) چنین می‌فرماید: «يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ». ترجمه: به تدبیر فرو می‌فرستد امر را از آسمان بسوی زمین باز بالا می‌رود آن امر به جانب او در روزیکه هست اندازه آن هزار سال از آنچه که می‌شمارید. هم‌چنان روز قیامت یک روز است اما معادل پنجاه هزار سال زندگی در روی زمین است، چنانچه در سوره المعارج، آیت (۴) چنین می‌فرماید: «تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ». ترجمه: بالا می‌روند فرشتگان و روح بسوی او در روزیکه هست مقدار آن پنجاه هزارسال، اما این جا در پیدائش زمین و آسمان‌ها چیزی گفته نشده است، چون بحث بحثِ نجو می‌است میتوان بگوییم که این روزهای ذکر شده از روزهای نجو می‌باشد ، آنرا نوری هم

## ۱۲ / صلاح الدین سادات

می‌گویند، هرثانیۀ نوری سه صد هزار کیلومتر می‌باشد. پس هر صد کیلومترِ آنرا یک روز محاسبه بکنید، می‌شود میلیون‌ها سال زندگی در روی زمین پس در این صورت میتوان گفت که سیر تکاملی زمین همراه با آسمان آن میلیون‌ها سال دوام کرده باشد.

خلقت ابتدایی هرچیزی به یک اشارهٔ پروردگار صورت می‌گیرد اما سیر تکاملی آن زمان‌گیر است، مثلا پیدائیش کائنات با این همه عظمت در صدمین ثانیه شکل گرفته است اما زمین با این کوچکی نسبت به کائنات دیگر چهار روز را در برگرفته است. اگر این روزها را از روزهای نجومی قیاس کنیم به گزارشات علمی همسان می‌شود چون تحقیقات علمی این را ثابت ساخته است که زمین میلیون‌ها سال زیر بمباردمان فضایی قرار داشته است.

حالا می‌پردازیم به پیدائیش کهکشانِ خودمان که کهکشان راه شیری نام دارد. لحظهٔ که این کهکشان به امر پروردگار پدید آمد تمامی ستاره‌ها و سیارات خود را تولید کرد. خداوند متعال تمامی آن‌ها را در جای که مناسب همان جا است قرارداد، چنانچه در سورۀ نازعات، آیت (۲۸) چنین

### پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۳

می فرماید: «رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا». ترجمه: بر افراشت بلندی آنرا پس برابر کرد آنرا، یعنی تمامی بلندی ها را که عبارت از میلیون ها ستاره و سیاره می باشد در جای که مناسب همان جا بود، قرار داد. هرآن چیزیکه دربا لا دیده میشود از ستاره ها و سیاره ها متعلق به کهکشان راه شیری میباشند ستاره های دیگر کهکشانها را دیده نمیشود چراکه آنها بسیار دور میباشند هم چنان در سوره یاسین، و حم سجده می فرماید: «ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ». ترجمه: این اندازه گیری غالب و دانا است هر چیزی را در جای مناسب به دقت سنجیده و به حکمت تمام جابجا نموده است و او بر همه چیز توانا است. یکی از این ستاره ها خورشید است که چندین سیاره دارد و سومین سیاره آن همین زمین است.

زمین در ابتدای پیدائش اش یک توتۀ آتش بود، نه زنده جان در آن بود و نه هم در آن زندگی می شد، به مجردیکه پدید می آید شروع به چرخش می کند که از این چرخش روز و شب به وجود می آید. این شروع پیدائش زمین است. روز آنرا روشن و شب آنرا تاریک کرد، چنانچه خداوند ﷻ در سوره نازعات، آیت (۲۹) چنین می فرماید: «وَأَعْطَشَ لَيْلَهَا

#### ۴/ صلاح الدین سادات

وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا». ترجمه: تاریک کرد شبِ آنرا و آشکارا کرد روشنی روزِ آنرا، یعنی نیم طرف آفتاب و نیم هم در پناه آفتاب، آنطرف که بسوی آفتاب بود، نامش را روز گذاشت و آن طرف که در پناه آفتاب قرارداشت نامش را شب گذاشت، مدتِ مدید زمین به همین حالت بود. خواست خداوند ﷻ این بود که در همین سیاره مخلوقِ هوشمند که مأمور به عبادت باشد، زندگی کند او عبارت از انسان است. حالا چه تدابیرِ گرفته می‌شد که زندگی کردن در آن ممکن شود. بناءً پروردگار عالم، اولتر از همه زمین را گسترش داد به این معنا که دور زمین را که آنوقت آتش بود، هفت طبقه پوش داد تا که از مضرات هسته زمین جلوگیری کند و هم برای معیشت انسان‌ها ضروری می‌باشد، چنانچه در سوره نازعات، آیت (۳۰) چنین می‌فرماید: «وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا». ترجمه: زمین را بعد از آن گسترده‌یم یعنی مدت بعد از پدید آمدن روز و شب زمین را گسترش دادیم گسترش بمعنای وسعت دادن و کلان نمودن. سیر تکاملی زمین وقفه‌ای است یعنی در دو روز اول چه پدید آمد و در دو روز دوم چه

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۵

ساخته شد و در دو روز سوم چه به وجود آمد، آنرا به بحث میگیریم.

### گسترش زمین در دو روز اول

چنانچه قبلاً در سوره نازعات خواندید که گسترش زمین بعداً شکل گرفت، اولتر از همه روز و شب آفریده شده بعد از آن گسترش زمین. این شروع گسترش زمین است، گسترش (وسعت دادن) را می‌گویند. وسعت یعنی کلان کردن، خداوند متعال داخل زمین را هفت طبقه پوش داد، مثل پوست پیاز. این هفت طبقه سیر تکاملی خود را در دو روز تکمیل نموده است، چنانچه خداوند ﷻ در سوره فصلت، آیت (۹) چنین می‌فرماید: «قُلْ أَنتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ». ترجمه: بگو آیا کافر می‌شوید به آن ذاتیکه آفرید زمین را در دو روز؟ در این دو روز همین هفت طبقه داخل زمین ساخته شد، این گسترش را دانشمندان علوم نجومی بنام بمباردمان فضایی یاد می‌کنند و می‌گویند که همه چیزیکه در زمین است مثل باران امروزی از دیگر سیارات به زمین باریده است. این گزارشات علمی را قرآن کریم هم تأیید

## ۱۶ صلاح الدین سادات

می‌کند، چنانچه در سوره انبیاء، آیت (۳۰) چنین می‌فرماید: «أُولَئِكَ يَرَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَأَنَّ رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا». ترجمه: آیا نمی‌بینند آنانیکه کافر شدند به تحقیق که آسمان‌ها و زمین بودند مخلوط، ما آنان را از همدیگر جدا نمودیم، آسمان را آسمان و زمین را زمین ساختیم، یعنی همین هفت طبقه داخل زمین همراه با آسمان که همان گازات که هفت طبقه بالای زمین می‌باشد، مخلوط آمده، خداوند متعال آن‌ها را از همدیگر جدا نموده. زمین را زمین و آسمان را آسمان ساخته است. هم‌چنان در سوره الحديد، آیت (۲۵) می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ». ترجمه: فرود آوردیم ما فلزات را و در آن جنگِ سختی است بین انسان‌ها و منافعِ زیاد است برای انسان‌ها. فلزات عموم است منظور تنها آهن نیست بلکه آهن باب هر آن چیزیکه ذوب و منجمد شود، شامل آهن است از قبیل طلا، نقره مس، سرب، و پلاتین همه و همه شامل است. چرا که منظور تنها ذکر آهن نیست بلکه منظور آوردن آنهاست در زمین بنام آهن آورده نشده بلکه تمام فلزات که در زمین وجود دارد از دیگر جای به زمین آورده شده است. اما در بعضی فلزات منافعِ زیاد است برای انسان‌ها مثل آهن یا

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۷

فولاد، از روزیکه انسان‌ها به آن دسترسی پیدا کرده اند، تمام ضروریات خود را از آله و اسباب جنگی مثل شمشیر و نیزه و دیگر اسباب خانگی و هم‌چنان برای امروز به تمام ماشین آلات بکار می‌برند. خداوند ﷻ فرمود که تمام این‌ها را از دیگر جا به زمین فرود آوردیم چراکه به صیغه «أَنْزَلْنَا» ذکر نمود، تمام این فلزات مخلوط زمین می‌باشد. پس معلوم شد که این هفت طبقه داخل زمین از دیگر سیارات آورده شده است، زمان آوردن آن هم دو روز را در بر گرفته است چه آن دو روز روز نوری باشد یا روز عادی هم‌چنان در سوره فصلت، آیت (۱۱) می‌فرماید: «فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا». ترجمه: پس گفت پروردگار برای آسمان و زمین، میایید یا بیاوریم تان به زور؟ همه این آیات دلالت بر این می‌کند که زمین و آسمان از دیگر جا آورده شده اند. اطلاق زمین به همین هفت طبقه داخل زمین استعمال شده است، چیزی را که قرآن کریم بیان نموده است با گزارشات علمی همسان می‌باشد، گویا گزارشات علمی تفسیر از قرآن باشد. گرچند تمام گزارشات علمی توسط مردمان غیرمسلمان صورت می‌گیرد.

۸ / صلاح الدین سادات

### تکمیل شدن زمین در دو روزِ دوم

چنانچه خداوند متعال در سورهٔ فصلت، آیت (۱۰) چنین می‌فرماید: «وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ». ترجمه: وگردانید در زمین کوه‌ها را از بالای زمین و برکت نهاد در آن و اندازه کرد در کوه‌ها روزی‌های اهل آنرا در چهار روزِ کامل، برای سوال کنندگان، یعنی کسی سوال کند که زمین در چند روز تکمیل شده، جواب بگو که در چهار روزِ پوره. در این دو روز دوم کوه‌ها بالای زمین انداخته شد. اولین مفاد کوه‌ها این است که وظیفه میخ را اجراء می‌کنند، چنانچه (میخ) چیزی سست و لرزان را قائم نگه می‌دارد. این چنین کوه‌ها هم زمین را از میلان نمو دن به جانب دیگر نگه میدارد. چنانچه خداوند متعال در سورهٔ انباء، آیت (۷) چنین می‌فرماید: «وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا». ترجمه: آیا نگردانیدم کوه‌ها را میخِ زمین؟ علاوه بر قائم نگه داشتن زمین تمام چیزهای حیاتی را خداوند ﷻ در کوه‌ها خلق کرده است، از قبیل فلزات قیمتی و تمام معدنیات که برای انسان‌ها ضروری بود همه را در کوه‌ها خلق کرده و از همه مهم‌تر برای زندگی

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۹

انسان‌ها حتمی و ضروری می‌باشد ذخایر آب است آنهم در کوه‌ها ذخیره می‌شود، چون برف‌ها در زمستان در کوه‌ها ذخیره می‌شود و در تابستان برای کشت و زراعت استفاده می‌شود. بناءً خداوند ﷻ کوه‌ها را محل برکت و محل رزق و روزیِ باشندگان اهل زمین تعیین نموده است. از آیات قرآن کریم چنین برمی‌آید که کوه‌ها هم از دیگر جا آورده شده اند، چنانچه در سوره غاشیه، آیت (۱۹) چنین می‌فرماید: «وَأَلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ». ترجمه: بین بسوی کوه‌ها چگونه نصب کرده شد، «نصب کردن» همان را گویند که چیزی را از جایی بگیری و بر جایی دیگر بنشانی، آنرا (نصب) می‌گویند. هم‌چنان خداوند ﷻ در سوره ق، آیت (۷) چنین می‌فرماید: « وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ». ترجمه: و زمین را گسترده‌یم و افگندیم در آن کوه‌ها را و رویانیدیم در آن از هر نوع با رونق جفت چه انسان باشد چه حیوان چه درخت باشد و چه گیاه همه را جفت افردیم یعنی نرو ماده .. خداوند متعال اول گسترش زمین را یاد کرد بعد افگندن کوه‌ها را. قبلاً گفتیم که در دو روز اول گسترش زمین شروع شده و تمام هفت طبقه داخل زمین در این دو روز تمام شده بود، بعد از

## ۱۰ / صلاح الدین سادات

تمام شدنِ هفت طبقهٔ داخل زمین بالای آن کوه‌ها افکنده شد. در همین دو روز دوم، خداوند متعال در گسترشِ زمین در دو روز اول به صیغهٔ «فرود آوردیم» ذکر نمود، اما به آوردن کوه‌ها به صیغهٔ «افگندیم» ذکر کرد، افگندن با فرود آوردن، فرق دارد، فرود آوردن همان را گویند که نرم و بدون برخورد جدی باشد، مثل فرود آمدن هواپیما به زمین و اما افگندن چیزی را از بالا به اختیار خودش بیاندازد که به شدت تمام به زمین برخورد کند، می‌شود گفت که کوه‌ها به همان شدت به زمین برخورد کرده باشد، چراکه کوه‌ها چند برابر خود ریشه داخل زمین دارد. شاید هم این فرورفتن بخاطر همین برخورد سخت آن باشد. خداوند متعال واضح و آشکارا بیان نمود که در این چهار روز فقط زمین ساخته شد، نه کائنات، هیچ کس گفته نمی‌تواند که در این چهار روز دیگر کائنات هم شامل است، چراکه خداوند ﷻ به پیامبرش فرمود، هر که از تو سوال کند زمین در چند روز ساخته شده است، جواب بگو که در چهار روز پوره ولو که آن چهارروز روز نوری باشد یا عادی. حالا تمام چیزهای که برای انسان‌ها ضروری بود، چه از نگاه داد

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۱۱

و ستد و چه از نگاه رزق و روزی همه در همین چهار روز تکمیل شد، مگر بازهم در زمین، برای یک دقیقه زندگی کرده نمی‌شود چرا که نظر به تحقیقات علمی زمین بعد از طلوع آفتاب به حدی گرم میشد که هر آن چیزی که در زمین بود آتش می‌گرفت و اما بعد از غروب آفتاب به حدی سرد میشد که به منفی ۹۰ درجه میرسید، در هر دو صورت زندگی کردن ناممکن بود، علاوه بر آن زمین زیر بمباردمان فضایی قرارداشت، همه روزه صدها شهاب سنگ به زمین برخورد میکرد. حالا چه تدابیر گرفته شود که هم هوا معتدل شود و هم از برخورد شهاب سنگ ها جلوگیری شود. بناءً پروردگار عالم توجه خود را به فضای زمین نمود تا که به دور زمین محافظ قرار دهد.

## ۱۲ / صلاح الدین سادات

### ساختنِ هفت طبقه آسمان ها در دو روزِ آخر

در سورهٔ فصلت، آیت (۹) خواندید که زمین در دو روز اول گسترش داده شد، هم‌چنان در آیت (۱۰) همین سوره خواندید که در دو روز دوم بالای زمین کوه‌ها افکنده شد و حالا در دو روز سوم خداوند ﷻ در آیت (۱۱) همان سوره چنین می‌فرماید: «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ». ترجمه: بعد از آن توجه نمود به طرفِ آسمان در حالیکه آسمان دود بود، یعنی بعد از ساختنِ زمین در چهار روز، توجه خود را به طرفِ آسمان کرد که آسمان دود، یعنی گاز بود.

فضای زمین مملو از گازات نا منظم بود، باید آن‌ها بطور دقیق جابجا میشدند در آخر همان آیت (۱۱) می‌فرماید: «فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا». ترجمه: پس ساخت آن دودها را هفت طبقه آسمان در دو روز و فرستاد در هر آسمان تدبیر مناسب. دود همان

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۱۳

گاز، چراکه اول به صیغه مفرد ذکر کرد و اما در تقسیمات به صیغه جمع ذکر نموده گفت که «فَقَضَهُنَّ» این گازها را هرکدام در جای اصلی اش جابجا نمود در دو روز، یعنی در آسمان اول چه نوع گازات وجود داشته باشد و در آسمان دوم چه نوع گازات، تا آسمان هفتم. این بود کلام پروردگار که زمین و آسمان را ساخته، در کجای این آیات، تمام عالم ذکره شده است، وضاحتاً توضیح داده شد که در دو روز اول زمین وسعت داده شد، در دو روز دوم هم کوهها بالای زمین افکنده شد و در دو روز سوم هم هفت طبقه آسمان از گازات به خاطر محافظت زمین، ساخته شد. کسانی که معتقد اند خداوند ﷻ کُلّ عالم را در شش روز خلق کرده است، آن‌ها نه از قدرت پروردگار باخبر اند و نه هم از عظمت کائنات.

تحقیقات که دانشمندان فضایی انجام داده اند از شمارش بیشتر از دو میلیارد کهکشان را به ثبت رسانیده اند، هر کهکشان یک عالم جداگانه می باشد. ما هم در یکی از همین میلیارد کهکشان زندگی میکنیم که کهکشان راه شیری نام دارد و سپس همه این کهکشانها را در خلقت شش روزی دَخَل

## ۱۴ / صلاح الدین سادات

دادن، هم مخالف قرآن است و هم مخالف علم، چراکه خلقت کائنات تمام شده نیست. از لحظه که پروردگار امر گسترش عالم را داده تا این لحظه در گسترش است، چنانچه در سوره زاریات، آیت (۴۷) چنین می‌فرماید: «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ». ترجمه: آسمان را ما بنا کردیم به دست های خود البته که ما آنرا وسعت هم می‌دهیم. آسمان این جا بمعنای بلندی است هرآن چیز یکه در بالا باشد شامل است .. وسعت دو قسم است یکی وسعت شروع ساختار است، یکی هم بعد از ساختار، وسعت شروع ساختار سرعت آن به اندازه سرعت نور است.

خداوند ﷻ از لحظه که امر وسعت عالم را داده است تا همین لحظه به همان سرعت نور، جهان در وسعت است با این سرعت پروردگار عالم در سوره نازعات، آیت (۳) قسم یاد نموده، چنین می‌فرماید: «وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا». ترجمه: قسم به شنا کنندگان بسرعت و اما وسعت بعد از ساختار ضعیف است مثلاً همین کهکشانشان خودمان که کهکشانشان راه شیری

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۱۵

است، این هم وسعت پیدا می‌کند. بناً به اثر همین وسعت تمام ستاره‌ها و سیارات از همدیگر دور میشوند بطور مثال ماه، سالانه اندکی از زمین دورتر می‌شود. این وسعت هم از نگاه قرآن ثابت است و هم از نگاه علم، سوال. چرا خداوند ﷻ دَور زمین را هفت طبقه ساخت، از گازات، جواب این را خداوند ﷻ در سوره انبیاء آیت (۳۲) چنین می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًا». ترجمه: و گردانیدیم آسمان را سَقْفِ محافظتی، این سَقْفِ محافظتی زمین را از تمام بلاهای آسمانی محافظت می‌کند، این آیات تمام آن روایات ها را رد می‌کند که می‌گویند، یک آسمان در این جهان و یک آسمان دیگر هم در جهان دیگر، تا هفتم و هم‌چنان بعضی روایات دیگر را هم رد می‌کند که می‌گویند، یک آسمان از لاجورد و یک آسمان دیگر از یاقوت تا هفتم از هفت چیز، چرا که خداوند ﷻ صراحتاً بیان نموده است که هفت طبقه آسمان دَور زمین از گازها ساخته شده است بخاطر محافظت زمین. حالا ما مسلمان‌ها هیچ نوع آله و اسباب فضایی نداریم که طبقات آسمان را تعیین کند و هم چنین در هر طبقه چه نوع گاز وجود دارد، آنرا هم نمی‌دانیم، مجبوریم که برویم سراغ دست آوردهای دانشمندان

۱۶ / صلاح الدین سادات

غیر اسلامی که در مسایل فضایی کار می‌کنند و آن‌ها فضای زمین را به پنج طبقه تقسیم کرده‌اند. البته تا ده هزار کیلومتری بالای زمین را، ما هم گفته‌های آن‌ها را با گفته‌های قرآن کریم مقایسه نموده، تقسیم بندی می‌کنیم.

### طبقه اول آسمان

لفظ آسمان به هر بلندی اطلاق می‌شود، اما در جای که هفت طبقه آسمان و یا آسمان و زمین ذکر شود، مخصوص همین هفت طبقه دور زمین می‌باشد. ضخامت طبقه اول را نظر به تحقیقات علمی تا ده کیلومتری بالای زمین را گرفته‌اند و متشکل است از ۷۸٪ نایتروجن، ۲۱٪ آکسیجن و ۱٪ از گازات مختلف دیگر می‌باشد. در این طبقه که اولین طبقه آسمان است همه زنده جان‌ها و پرنده‌ها در همین آسمان زندگی می‌کنند هم‌چنان پرواز طیارات مسافربری، باریدن برف و باران، ابرها، رعد و برق همه و همه از همین

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۱۷

آسمان صورت می‌گیرد. این گفته‌ها از نظر دانشمندان علوم نجومی بود، عین چیز است که قرآن کریم بیان می‌کند. این طبقه که طبقه اول است از اهمیت خاصی برخوردار است چراکه خداوند متعال این طبقه را در ده‌ها جای از قرآن بنام آسمان یاد کرده، می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً». ترجمه: فرود آوردیم از آسمان آب باران را. هم‌چنان در ده‌ها جای می‌فرماید: فرود آوردیم از آسمان عذاب را بالای فلان قوم، خلاصه در همه جا خداوند متعال این طبقه را بنام آسمان یاد کرده است در این طبقه که طبقه اول است به هر اندازه که بالا بروید، هوا سردتر و آکسیژن هم کمتر می‌شود تا آخرین مرحله ده کیلومتری سردی به منفی ۵۰ درجه می‌رسد. کمبود آکسیژن در بالا را قرآن کریم نیز تأیید می‌کند، چنانچه در سوره انعام آیت (۱۲۵) چنین می‌فرماید: «وَمَنْ يَرِدْ أَنْ يُّضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ». ترجمه: کسی را که بخواهد گمراه کندش، می‌گرداند، سینه‌اش را بی نهایت تنگ مثل کسی که بالا می‌رود به آسمان.

اول اینکه خداوند متعال در این طبقه که ما زندگی می‌کنیم به نام آسمان یاد کرد و بعداً اشاره نمود که هر قدر به آسمان

## ۱۱۸ / صلاح الدین سادات

بالا بروید دل تنگی هم زیاد شده، نفس قید میشود بخاطریکه آکسیجن در بالا کم است. بناءً دل تنگی مشرکین را به دل کسی تشبیه داد که به آسمان بالا می‌رود، گرچند هنگام نزول این آیت هیچ کس نمیدانست که در بالا، نفس کشیدن مشکل باشد اما حالا با پیشرفت علم ثابت شد که چنین است. مهم ترین وظیفه این طبقه معتدل نگه داشتن هوای زمین است، اگر این طبقه نباشد، بعداز طلوع آفتاب درجه حرارت به ۱۷۰ درجه بلند می‌رود و اما بعداز غروب آفتاب به منفی (۹۰) درجه میرسد. پس در هردو صورت زندگی کردن مشکل خواهد بود. خداوند متعال این طبقه اول آسمان را مخلوط با هم نشینان زمین ذکر کرده است، چنانچه در سوره سباء آیت (۹) چنین می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ». ترجمه: آیا نمی بینند به آنچه پیش روی شان است و آنچه پشت سرشان از آسمان و زمین، یعنی آسمان را مثل زمین موجود ذکر نمود، از اینکه پیشروی تان هم آسمان و زمین و پشت سرتان هم آسمان و زمین. این

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۱۹

گازات موجود در روی زمین در رگ رگ وجود مان مخلوط می باشد. این بود طبقه اول آسمان از نگاه علمی و قرآنی.

### طبقه دوم آسمان

شروع طبقه دوم نظر به تحقیقات علمی که توسط دانشمندان علوم نجومی صورت گرفته است از ۱۰ کیلومتری بالای زمین شروع می شود تا ۵۰ کیلومتری بالای زمین امتداد دارد. از شروع این طبقه، درجه حرارت شروع به بالا رفتن می کند در طبقه اول هر قدر که بالامیرفتید همان قدر سردی زیادتر می شد اما در طبقه دوم هر قدر که بالا بروید به همان اندازه درجه حرارت بالا می رود. وظیفه مهم این طبقه آن است که مضررات آفتاب را دفع می کند و نمی گذارد که مضررات آفتاب به طرف زمین بیاید، در

۲۰ / صلاح الدین سادات

صورت نبود این طبقه تمام باشندگان زمین به خطر سرطان پوستی مواجه میشدند اگر میخواستید طبقه دوم تا پنجم از چه نوع گازها ساخته شده به تحقیقات علمی مراجعه کنید

### طبقه سوم آسمان

نظر به تحقیقات دانشمندان علوم نجومی شروع طبقه سوم آسمان از ۵۰ کیلومتری بالای زمین شروع می‌شود و تا ۸۵ کیلومتری بالای زمین امتداد دارد.

این طبقه برخلاف طبقه دوم شروع به سرد شدن می‌کند و بالایی‌های این طبقه تا منفی ۹۰ درجه میرسد. وظیفه مهم این طبقه محافظت زمین از شهاب سنگ‌ها بوده و نمیگذارد که شهاب سنگ‌ها به طرف زمین بیایند، کاملاً

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۲۱

سنگ ها را می سوزاند و در صورت هوای صاف در شب تاریک شما هم می توانید حالت سوختن آنرا مشاهده کنید. مثلاً در شب طرف آسمان نگاه کنید گاه گاهی نورها بسیار به سرعت بالا حرکت می کنند، همان ها شهاب سنگ های در حال سوختن هستند. اگر این طبقه نبود، همه روزه هزاران شهاب سنگ به زمین برخورد می کرد و جان هر موجود روی زمین را می گرفت.

### طبقه چهارم آسمان

چهارم طبقه‌ی آسمان از ۸۵ کیلومتری بالای زمین شروع می شود تا ۷۰۰ کیلومتری بالای زمین امتداد دارد. در این طبقه از آسمان شفق های قطبی تولید می شود، این طبقه برخلاف طبقه سوم شروع به گرم شدن می کند و درجه حرارت آن از ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ درجه میرسد.

۲۲ / صلاح الدین سادات

### طبقه پنجم آسمان

طبقه پنجم آسمان از ۷۰۰ کیلومتری بالای زمین شروع می‌شود و تا ۱۰۰۰۰ کیلومتری بالای زمین امتداد دارد. این طبقه هم به نوبه خود، وظیفه دفع شعاع انفجارهای که در خورشید رخ میدهد را دارد و اجازه نمی‌دهد که شعاع این انفجارها از این طبقه عبور کند. اگر این طبقه نبود تمام گازات موجود زیر این طبقه را خورشید می‌بلعید. بناً هرکدام از طبقات آسمان وظیفه خاص خود را دارد چنانچه

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۲۳

درسوره انبیاخواندید که هفت طبقه آسمان بخاطر محافطت زمین ساخته شده است. این طبقات از آسمان از نگاه علمی بنام جوی زمین و اتمسفر زمین شناخته میشود. اما از نگاه قرآن همه بنام آسمان یاد شده است.

تحقیقات علمی تا ۱۰۰۰۰ کیلومتری بالای زمین را بررسی نموده به پنج طبقه تقسیم کرده اند. طبقه ششم و هفتم آنقدر وسیع است که اسباب امروزی نمی‌تواند محدوده آنرا تعیین کند، امکان دارد در آینده با پیشرفت علم و تکنالوژی محدوده آن‌ها هم معلوم شود. حالاً می‌پردازیم به طبقه ششم و هفتم آسمان از نگاه قرآن.

### طبقه ششم آسمان

طبقه ششم آسمان از ۱۰۰۰۰ کیلومتری بالای زمین شروع می‌شود تا محدوده منظومه شمسی امتداد دارد. در این آسمان، خورشید همراه با سیاراتش به شمول مهتاب داخل همین آسمان قرار دارد. چنانچه خداوند متعال در سوره نوح آیت (۱۶) چنین می‌فرماید: «وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا». ترجمه: گردانید ماه را در میان آسمان‌ها روشنی و گردانید آفتاب را چراغی فروزنده. خداوند متعال

## ۲۴ / صلاح الدین سادات

در (۱۵) همین سوره، هفت طبقه بودن آسمان را ذکر می‌کند، بعداً در آیت (۱۶) می‌گوید که داخل همین آسمان آفتاب و مهتاب می‌باشد. وقتیکه آفتاب و مهتاب وجود داشت و دیگر سیارات آفتاب هم داخل همین آسمان می‌باشد. در آیت اول، ماه ذکر شد بعداً آفتاب چراکه تقسیمات آسمان از پائین به بالا است چون ماه در ۳۸۵۰۰۰ کیلومتری بالای زمین قرار دارد. آفتاب هم در ۱۵۰ میلیون کیلومتری بالای زمین واقع است. بناءً خداوند متعال اول ماه را ذکر کرد، سپس خورشید را، اما زمین را ذکر نکرد چراکه زمین در این آسمان نیست، بلکه زمین در آسمان اول است. معلوم نیست که در صورت نبود این طبقه چه بلایی بر سر باشندگان زمین می‌آمد، حتماً بدون حکمت و نفع نمی‌باشد.

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۲۵

### طبقه هفتم آسمان

طبقه آسمان هفتم از محدوده شمسی شروع می‌شود تا آخر دنیایی ما که کهکشان راه شیری نام دارد، همه ستاره‌ها و سیارات به شمول خود کهکشان راه شیری داخل همین آسمان هفتم می‌باشد، چنانچه خداوند ﷻ در سوره ملک آیت (۵) و هم‌چنان در سوره صافات آیت (۶) چنین می‌فرماید: «وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ». ترجمه: به

## ۱۲۶ / صلاح الدین سادات

تحقیق زینت دادیم ما آسمان دنیا را به چراغ‌ها که همان ستاره‌ها می‌باشد دنیا عبارت از کهکشان راه شیری است چراکه مرکز دنیای ما همین کهکشان میباشد. وسعت آسمان هفتم را هیچ کس اندازه کرده نمیتواند به جز از پروردگار که آنرا خلق کرده همچنین کس نمی‌داند که این طبقه چه نفع بالایی زمین دارد، چراکه پروردگار عالم در سوره انبیاء آیت (۳۲) تذکر داده است که تمام طبقات آسمان بخاطر محافظت زمین ساخته شده است.

### پی‌درپی بودن هفت طبقه آسمان

طبقه بندی آسمان‌ها را از نگاه علوم نجومی خواندید که همه با هم متصل بوده و باهم پیوست می‌باشند و از نگاه قرآن هم آسمان‌ها باهم متصل مثل پوست پیاز ذکر شده

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۲۷

است. مثلاً قرآن کریم در سوره ملک آیت (۳) چنین می‌فرماید: «الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا». ترجمه: الله ذات است که پیدا کرده هفت طبقه آسمان را پی در پی با هم متصل مثل پوست پیاز. هم‌چنان در سوره نوح آیت (۱۵) چنین می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا». ترجمه: آیا نمی‌بینند چگونه پیدا کرده هفت آسمان‌ها را پی در پی باهم متصل نظر به آیات که ذکر شد صراحتاً بیان نمود که آسمان‌ها باهم متصل می‌باشند نه از هم جدا، عین چیزیکه گزارشات علمی می‌گوید. در همه جا خداوند متعال آسمان را بنام ساختمان یاد کرده است و در چند جای ساختمان هفت طبقه ای یاد کرده است. بناءً این آیات بعضی روایات را رد می‌کند که می‌گویند، یک طبقه در این جهان و یک طبقه دیگر در جهان دیگر تا هفتم. هم‌چنان در سوره انباء آیت (۱۲) می‌فرماید: «وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا». ترجمه: بنا کردم بالای سر شما هفت بناء محکم همه این آیات دال بر این است که آسمان‌ها با هم متصل اند.

## ۲۸ / صلاح الدین سادات

### هفت طبقه بودن زمین

خداوند متعال داخل زمین را هم عین آسمان هفت طبقه آفریده است مثل پوست پیاز، چنانچه خداوند ﷻ در سوره طلاق آیت (۱۲) چنین می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ». ترجمه: الله ﷻ ذاتِ است که

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۲۹

پیدا کرده هفت طبقه آسمان‌ها را و از زمین هم مثل او ..  
قبلاً خواندید که خداوند متعال در دو روز اول زمین را  
گسترش داده است، این گسترش هفت طبقه بوده به دور،  
هسته زمین شاید این هفت طبقه داخل زمین هم مثل  
هفت طبقه آسمان از اهمیت خاصی برخوردار باشد. بدون  
این طبقات زندگی کردن در زمین غیر ممکن باشد چون در  
این باره هیچ نوع تحقیقات علمی صورت نگرفته است که ما  
از قول آن‌ها توضیح بدهیم.

قرآن کریم هم در این باره که چرا داخل زمین هفت طبقه  
ساخته شده است، چیزی نگفته. در بین زمین هسته زمین  
قرار دارد و این هسته ارتباط دارد با مرکز خود که کهکشان  
راه شیریست، چنانچه خداوند ﷻ در سوره طلاق، آیت (۱۲)  
می‌فرماید: «يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ». ترجمه: نازل می‌شود حکم  
پروردگار در میان آن‌ها، یعنی با وجود این همه راه دور که  
به هیچ حسابی برابر نمی‌شود یک نوع ارتباط بین کهکشان  
و بین هسته‌ی زمین وجود دارد در آخر همین آیت  
می‌فرماید: «لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». ترجمه: تا  
بدانید که الله ﷻ بر هر چیزی توانا است.

۳۰ / صلاح الدین سادات

### پیدائیش آب در زمین

سبب زندگی همه زنده جانها آب است، آب هم مثل سایر اجزای بدن زمین، از دیگر سیارات بسیار دور به زمین آورده شده است، چنانچه خداوند متعال در سوره عبس، آیت (۲۵) چنین می‌فرماید: «أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا». ترجمه: به

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۳۱

تحقیق ریختیم ما آب را، (ریختن) آنقدر آب در زمین رخته شد که تمام جای پراز آب شد. البته اینجا منظور آب باران نیست چراکه آب باران را در همه جای قرآن به صیغۀ (انزلنا) همراه با کلمه آسمان ذکر کرده است، یعنی فرود آوردیم از آسمان آب باران را، اما اینجا به صیغۀ (ریختیم) ذکر شده است. فرود آمدن به قسم آرام و کم می باشد اما ریختن به قسم وافر و زیاد.

آن زمان حرارت آفتاب بالای زمین آنقدر زیاد بود که هر آن چیزیکه بالای زمین باشد آتش می گرفت، چون آن زمان سقفِ محافظتی به دور زمین ساخته نشده بود، هر قدر آبی که بالای زمین بود به بخار تبدیل میشد اما آبیکه داخل زمین بود باقی می ماند، بعد از ساختن هفت طبقهٔ محافظتی دور زمین که توسط آن هوا در زمین معتدل شد، آب را از داخل زمین به بیرون آورد، چنانچه در سورهٔ نازعات، آیت (۳۱) چنین می فرماید: «أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا». ترجمه: بیرون کرد از زمین آبش را، یعنی از داخل زمین آب را بیرون آورد. و همچنین زمین تا این لحظه تمام قاره ها با هم متصل بودند. حالا خداوند متعال زمین را شقه شقه نموده قاره ها را پدید آورد. چنانچه در

## ۳۲ / صلاح الدین سادات

سوره عبس، آیت (۲۶) می‌فرماید: «ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا». ترجمه: بعد از آن شقه شقه کردیم ما زمین را شقه شقه کردنی، شق بمعنای پاره پاره کردن و جدا کردن است. به سببی شقه کردن زمین قاره‌ها به وجود آمدند به تعقیب این آیت تذکر می‌دهد که «فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا». ترجمه: پس رویانیدیم در آن زمین‌های شقه شده دانه، یعنی وقتی که آب به زمین آمد سپس به سببی شقه شدن زمین قاره‌ها پیدا شد بعد از آنهم در آن قاره‌ها دانه‌ها، درخت‌ها، میوه‌ها پدید آمد. چرا خداوند ﷻ اول زمین را وسعت داد، بعداً بالای آن کوه‌ها را استوار کرد، سپس هفت طبقه به دور زمین، سپر ساخت. سپس هم قاره‌ها را پدید آورد جواب این سوال را خداوند متعال در سوره نازعات آیت (۳۳)، هم‌چنان در سوره عبس، آیت (۳۲) می‌فرماید: همه‌ی این‌ها بخاطر معیشت شما و چهارپایان شما است. از این آیات معلوم می‌شود که تمام ساختار زمین به خاطر انسان‌ها ساخته شده است، گرچه قبل از پیدائش انسان‌ها میلیون‌ها سال، حیوانات عظیم الجسه در زمین زندگی کرده بودند اما آن‌ها هوشمند نبودند که مأمور به عبادت باشند هوشمندان که

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۳۳

مأمور به عبادت اند، انس و جن اند، اما جن‌ها از قرار گفته‌های قرآن کریم، احتیاج به خورد و نوش راندارند چراکه خداوند متعال همه آن چیزهای خوراکی را مختص به انسان‌ها و چهارپایان آن‌ها، ذکر نمود، شاید هم آن حیوانات که ملیون‌ها سال در زمین زندگی کرده بودند بخاطر همین انسان‌ها خلق شده باشند چراکه از اجسام مرده‌ی آن‌ها نفت و گاز پدید آمده است که امروز با ماشین آلات که انسان‌ها ساخته اند، از آن استفاده می‌کنند. بنائاً خلقت آن‌ها نیز به خاطر همین انسان‌ها بوده است، خلاصه ملیون‌ها سال زمین به همین حالت بود تا روزیکه خداوند ﷻ خواست، انسان را به زمین بیاورد. آوردن انسان را می‌گذاریم به بعد، می‌پردازیم به گردش زمین و دیگر اجرام کائنات.

۳۴ / صلاح الدین سادات

### گردش زمین

زمین سومین سیاره خورشید است، غیر از گردش مرکزی دو نوع گردش خودی دارد. گردش دور خود و هم گردش دور خورشید، گردش دور خود را در ۲۴ ساعت تمام می‌کند که از این چرخش روز و شب به وجود می‌آید که سرعت چرخش آن اندکی تیزتر نسبت به مرمی میباشد اما چرخش دور خورشید را در ۳۶۵٫۵ روز تمام می‌کند از این چرخش سال به وجود می‌آید که سرعت چرخش آن پنج برابر نسبت به مرمی تیزتر است.

خداوند ﷻ گردش زمین را در سوره نمل آیت (۸۸) چنین می‌فرماید: «وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ». ترجمه: می‌بینی کوه‌ها را گمان می‌کنی در جای ایستاده باشند در حالیکه می‌روند مثل رفتار ابرها، یعنی مثل ابر در حرکت می‌باشند. بعضی‌ها مفهوم این آیت را به روز قیامت ربط داده اند در حالیکه در قیامت کوه‌ها کاملاً از بین می‌روند، اثر از کوه‌ها باقی نمی‌ماند. بناءً این تشبیه در دنیا است نه در قیامت. نزدیک ترین اجرام به زمین ماه است یعنی اندکی بیشتر از یک ثانیه نوری فاصله دارد. یک ثانیه

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۳۵

نوری برابر با ۳۰۰ هزار کیلومتر می باشد اما فاصله ماه به زمین ۳۸۵ هزار کیلومتر است.

دانشمندان معتقد اند که ماه جدا شده از زمین است لکن آنجا زندگی کرده نمی شود چراکه جوی آن نازک است، نه از شهاب سنگ ها محافظت کرده می تواند و نه هوای معتدل دارد. وقتیکه آفتاب بتا بد درجه حرارت به ۱۷۰ درجه سانتی گرید بالا می رود، اما وقتیکه آفتاب غروب کند درجه حرارت هوا به منفی ۱۲۰ درجه سانتی گرید پائین می آید. هم چنان جاذبه آن ضعیف است، به هر شکل آنجا زندگی کرده نمی شود.

فاصله زمین به خورشید ۸ ثانیه نوری است به حساب ما ۱۵۰ میلیون کیلومتر می شود.

۱۳۶ / صلاح الدین سادات

### گردش خورشید همراه با دیگر اجرام آسمانی

خورشید در سمت چپ کهکشان راه شیری قرار دارد. تمام سیارات خود را دور خود میچرخاند، علاوه بر آن خورشید با تمام سیاراتش دور مرکز خود که کهکشان است، میچرخد. فاصله خورشید به مرکز خود ۳۰ سال نوری فاصله دارد، هرثانیه آنرا ۳۰۰ هزار کیلومتر محاسبه کنید به چه اندازه از مرکز خود دور می‌شود. این کهکشان مثل آفتاب میلیاردها ستاره دیگر دارد که مواد سوخت تمام ستاره‌ها را از همین راه دور تأمین می‌کند. این کهکشان تمام ستاره‌ها و سیاره‌ها را دور خود میچرخاند، این چرخش را چرخش مرکزی می‌نامند. این چرخش در یک میلیون سال یک بار دور خود را تمام می‌کند و به جز این کهکشان، میلیون‌ها کهکشان دیگر نیز وجود دارد.

چرخش کائنات را قرآن کریم هم تأیید می‌کند، مثلاً در سوره یاسین، آیت (۳۸-۴۰) چنین می‌فرماید: «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا». ترجمه: می‌گردد آفتاب به قرارگاه خود یا می‌گردد آفتاب همراه قرارگاه خود در آخر آیت می‌فرماید: «وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ». ترجمه: همه و همه شنا می‌کنند

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۳۷

در مدار خود تسبیح گویان کل همین معنا را دارد که همه، چه ستاره باشد و چه سیاره شناورند. هم‌چنان در سوره لقمان، آیت (۲۹) چنین می‌فرماید: «وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى». ترجمه: مسخر کردم آفتاب و ماه را تماماً می‌گردند به طرفیکه برای شان معین کرده شده و هم‌چنان در سوره انبیاء آیت (۳۳) چنین می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ». ترجمه: خداوند ذاتیست که پیدا کرده شب و روز را و آفتاب و مهتاب را تماماً همه و همه می‌گردند در مدار خود تسبیح گویان. از نگاه قرآن هیچ چیز در فضا ساکت نیست همه در گردش اند و از نگاه علم هم چیزی را که قرآن کریم بیان می‌کند، تأیید کرده است.

۳۸ / صلاح الدین سادات

### فرق میان ستاره و سیاره

ستاره‌ها از خود نور دارند اما سیاره‌ها از خود نور ندارند. مثلاً شما یک ثانیه نوری از زمین فاصله داشته باشید، دیگر زمین را دیده نمی‌توانید مگر اینکه نور خورشید به زمین بتابد، در آنصورت می‌توانید زمین را ببینید، مثل ماه هرگاه نور خورشید به ماه رسید، ماه را دیده می‌توانید در غیر آن دیده نمی‌توانیم اما ستاره‌ها از خود نور دارند. سائیر ستاره‌ها هم مانند آفتاب می‌باشند، بعضی‌های شان از آفتاب بزرگتر و بعضی‌های شان از آفتاب کوچکتر و بعضی‌های شان برابر با آفتاب می‌باشد. از اینکه آن‌ها از زمین بسیار دور می‌باشند، کوچک معلوم میشوند. اکثر ستاره‌ها به میلیون‌ها مراتب از زمین بزرگتر اند.

## حقانیت قرآن

در این شکی نیست که قرآن کلام پروردگار است، معجزه الهی است، معجزه بودنش در این است که در وقت نزول آیات، از نگاه عقل غیر قابل باور است اما با گذشت زمان توسط علم یکا یک آن ثابت می‌شود، چیزی را که قرآن بیان داشته است، حقیقت همان است. بعضی های شان به فاصله کم و بعضی هم با گذشت صدها سال بعد آشکار می‌شود، بطور مثال چند آیات که در وقت نزول درک آن مشکل و از نگاه عقل غیر قابل باور بودیا ن میکنم مثلاً در سوره رعد، آیت (۲)، هم‌چنان در سوره لقمان، آیت (۱۰) چنین می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا». ترجمه: الله ﷻ ذاتیست که بلند کرده آسمان‌ها را بدون ستون که ببینید آنرا، یعنی تمامی بلندی‌ها از قبیل کهکشان‌ها، ستاره‌ها و سیاره‌ها همه و همه در فضا موجود اند با یک قوه نامرئی استوار است، (ستون) قائم گیرنده را گویند، یعنی قائم گیرنده کائنات غیر مرئی است. در وقت نزول این آیت کسی باور نمی‌کرد که چنین قوه ای در فضا موجود باشد که همه کائنات توسط آن استوار باشد. اما حالا

## ۴۰ / صلاح الدین سادات

با پیشرفت علم دانشمندان فضایی بعد از تحقیقات زیاد در یافتند که تمام اجرام چشم دید عالم، ملیونها کهکشان و ترلیون ها ستاره و سیاره فقط ۵٪ کل اجرام جهان را تشکیل میدهد و ۹۵٪ اجرام دیگر غیر مرئی است که به چشم دیده نمیشوند. چیزی را که خداوند متعال در قرآن بیان داشته است. هم‌چنان در سوره قیامت، آیت (۳-۴) چنین می‌فرماید: «أَيُّحَسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّن نَّجْمَعَ عِظَامَهُ» (۳) بلی قَادِرِينَ عَلَى أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ» (۴). ترجمه: آیا گمان می‌کند انسان که جمع نخواهیم کرد استخوان های او را، بلی! قادریم بر اینکه بسازیم سر انگشتان او را، چرا خداوند متعال از تمام اعضای بدن انسان سر انگشتان را انتخاب نمود؟ زبده ترین مفسرین قرآن را ببینید هیچ کدام جواب درست در این باره نگفته اند که به حقیقت قرین باشد اما حالا با پیشرفت علم، محققین دریافتند که در سر انگشتان انسان چنان نشان موجود است که منحصر به همان شخص می باشد نه به انسان‌های گذشته سرمیخورد و نه هم به انسان‌های آینده. بناءً خداوند متعال فرمود که از سر انگشتان تان شناسایی نموده عین چیزی که بودید، دوباره

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۴۱

می باشید. هم‌چنان در چرخش کائنات مطالعه نمودید که هیچ چیز در کائنات ساکت نیست، همه و همه در گردش اند، چه چرخش خودی باشد و یا هم همراه با مرکز خود. در آن زمان که این آیات نازل شده بود «كُلُّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى»: هیچ کس باور نداشت که جهان با این خصوصیات باشد، تمام دانشمندان نجومی که قبلاً در گذشته اند نظریه آن‌ها را مطالعه کنید، می‌بینید هیچ کدام به یک عقیده نبودند، یکی چیزی میگفت با گذشت زمان یکی دیگر پیدا میشد گفته او را رد میکرد و چیزی دیگری میگفت. بارها و بارها چنین اتفاق افتاده است. قبلاً عقیده دانشمندان نه چندان دور به این بود که زمین مرکز جهان است آفتاب دور زمین می‌چرخد. بعداً یکی دیگر پیدا شد گفت که آنطور نیست بلکه آفتاب مرکز جهان است و زمین دور آن می‌چرخد. حالا توسط علم ثابت شد که نه زمین مرکز جهان بوده و نه هم آفتاب، تمام گزارشات آن‌ها غلط بوده و هیچ مرکزی برای جهان نبوده است، هر کهکشان مرکزیت ستاره‌ها و سیارات خود بوده و آن‌ها را دور خود می‌چرخانیده است؛ چیزی که حقیقت و ثابت است. همین قول پروردگار است که می‌فرماید: تماماً شناورند در

## ۴۲ / صلاح الدین سادات

مدار خود تسبیح گویان، هم‌چنان در سورهٔ فصلت خواندید که آسمان متشکل از گازهاست به خاطر حفاظت زمین ساخته شده است. هم‌چنان خداوند متعال در سورهٔ سباء آیت (۹) خاطر نشان ساخت که داخل همین آسمان زندگی میکنید.

هنگام نزول این آیت کسی باور نمیکرد که آسمان متشکل از گازها باشد در حالیکه خداوند ﷻ صراحتاً بیان نموده است که: «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ»، می‌گفتند یک آسمان از یاقوت و یکی هم از لاجورد تا آسمان هفتم، اما حالا تحقیقات علمی ثابت کرده است که آسمان از انواع گازها می‌باشد، عین چیزی که قرآن کریم بیان میدارد. هم‌چنان خداوند متعال در سورهٔ الرحمن آیت (۳۳) می‌فرماید: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَعْظَمْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا». ترجمه: ای گروه جن و انس اگر می‌توانید به آسمان‌ها بالا شوید پس بالا شوید اگر داخل زمین شوید پس داخل شوید، این کار را کرده نمی‌توانید. در آخر آیت می‌فرماید: «إِلَّا بِسُلْطَانٍ» مگر با یک اسباب محکم، یعنی خداوند متعال برای انس و جن گفت که

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۴۳

اگر قصد بالا شدن به آسمان‌ها را داشته باشید اول اسباب بالا شدن را بسازید بعداً هم به آسمان بالا شوید و هم به قعر زمین فروروید. در وقت نزول این آیت کسی باور میکرد که روزِ انسان‌ها اسباب ساخته به آسمان‌ها بالا شوند؟ اما حالا می‌بینیم که انسان‌ها چنین اسباب ساخته به فضا میروند اما تا هنوز هیچ دولتِ موفق نشده که اسباب ساخته به قعر زمین برود، چون حرارت هسته زمین آنقدر گرم است که هر آن چیزیکه به آنجا نزدیک شود، ذوب می‌شود. درجه حرارت هسته زمین به ۶ هزار درجه سانتی‌گرید میرسد، چون پروردگار نوید موفقیت آنرا داده است حتماً روزِ انسان‌ها به قعر زمین هم نفوذ خواهند کرد. هم‌چنان در سوره السباء آیت (۱۲) در باره تخت حضرت سلیمان<sup>(علیه السلام)</sup>، می‌فرماید: «وَلَسْلَيْمَانَ الرِّيحَ غَدُوهاَ شَهْرًا وَّرَوَّاحِهاَ شَهْرًا». ترجمه: تسخیر کردیم برای سلیمان باد را توسط آن تخت بالا میشد و پرواز میکرد، چای صبح را در فلسطین و نان چاشت را یک ماهه دورتر از جای که چای صبح را خورده بود، می‌خورد. این یک افسانه نیست بلکه داستان واقعی است که یک نوع گوشزد به دیگر انسان‌ها می‌باشد. اگر شما هم باد را تسخیر کنید می‌توانید پرواز کنید چراکه

## ۴۴ / صلاح الدین سادات

خداوند ﷺ نگفته این معجزه حضرت سلیمان (علیه السلام) بود بلکه گفت که حضرت سلیمان (علیه السلام) باد را تسخیر کرده بود، زیر فرمان حضرت سلیمان (علیه السلام) قراردادش و توسط آن پرواز میکرد. امروز می‌بینیم که انسان‌های دیگر نیز موفق شده اند تا باد را زیر فرمان خود بیاورند و پرواز کنند، اما در زمان نزول این آیت، شاید کسی باور نمی‌کرد که روزی انسان‌های دیگر هم مثل حضرت سلیمان (علیه السلام) پرواز کنند. اما حالا به چشم سر می‌بینیم که همه روزه هزاران هواپیما نشست و برخاست می‌کنند، همه این نشست و برخاست‌ها توسط باد انجام می‌شود.

پیش‌گویی که قرآن کریم نموده است، در چندسال آینده بوقوع پیوسته بود، جنگ فارس و روم بود که بین فارس و روم جنگی صورت گرفته بود که رومی‌ها از فارسی‌ها شکست خورده بودند بعداً به پیامبر خدا ﷺ آیت نازل شد که در چند سال آینده باز بین فارس و روم جنگی صورت می‌گیرد، این بار فارسی‌ها شکست می‌خورند و رومی‌ها پیروز میشوند که همین طور هم شد. آیا کسی گفته می‌تواند که در چند سال آینده بین دو ابر قدرت نظامی جنگی

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۴۵

صورت می‌گیرد، یک طرف آنرا تعیین کند که پیروز میدان می‌شود؟! این پیشگویی را هیچ کس گفته نمی‌تواند به جز پروردگار عالم که هم از گذشته با خبر است و هم از آینده. تمام آن آیات که در وقت نزول آن از نگاه عقل غیر قابل باور بود، ۸۵٪ آن توسط علمی امروزی حقانیت آن آشکار شده است. یکی آن آیات که تا هنوز انسان‌ها به آن دسترسی پیدا نکرده اند، علم‌یست که توسط آن زمان محو می‌شود و نیاز به زمان نیست مثل نامه حضرت سلیمان (علیه السلام) به بلقیس. حضرت سلیمان (علیه السلام) به بلقیس نامه می‌فرستد در آن نامه به بلقیس اخطار میدهد که مسلمان شده نزد من حاضر شوید در غیر آن صورت نابود خواهید شد. وقتیکه حضرت سلیمان (علیه السلام) از آمدن بلقیس آگاه می‌شود به حاضرین مجلس می‌گوید، کسی هست که تخت بلقیس را نزد من بیاورد و پیش از اینکه بلقیس نزد من بیاید؟ یکی از عفريت‌ها می‌گوید که من تخت را می‌آورم، پیش از اینکه جلسه تمام شود اما کسی دیگری می‌گوید که من به یک چشم برهم زدن تخت را نزدت حاضر میکنم همین طور هم کرد. خداوند ﷻ می‌فرماید که نزد آن شخص علم بود، این علم نیاز به زمان ندارد، محو زمان است نزد

۴۶ / صلاح الدین سادات

هرکسی که آن علم باشد هر جایی را که بخواهد آنجا همانجا خواهد بود، مثل رفت و آمد ملائیکه‌ها که از سدره المنتهی به زمین رفت و آمد می‌کنند آن‌ها نیاز به زمان ندارند. این علم را خداوند ﷻ در قرآن اشاره کرده است که چنین علمی وجود دارد اما تاهنوز انسان‌ها موفق نشده‌اند که به چنین علمی دسترسی پیدا کنند. حتماً روزی انسان‌ها موفق خواهند شد به این علم هم دسترسی پیدا کنند چراکه خداوند ﷻ هر چیزی را در قرآن ذکر کرده است، افسانه نه، بلکه حقیقت آشکار و واقعی است.

گرچه این علم از نگاه عقل غیر قابل باور است اما صد در صد واقعی است تمام آن آیات که در بالا ذکر شد در وقت نزول آن باور کردن آن از نگاه عقل مشکل بود به همین سبب مشرکین پیامبر خدا ﷺ را دیوانه می‌گفتند اما حالا با پیشرفت علم ثابت شد که همه حقیقت و واقعی بوده است، پس این کلام پروردگار را نسبت دادن به کلام بشر کار احمقانه و جاهلانه است.

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۴۷

### پیدائش انسان در زمین

قبلاً گفتیم که پیش از انسان‌ها، میلیون‌ها سال حیوانات غیر هوشمند عظیم الجسه در زمین زندگی میکردند، شاید هم خلقت آن‌ها بخاطر انسان‌ها بوده باشد. چراکه تمام مواد نفتی و گازی زیر زمین از روغن اجسام آن‌ها پدید آمده و امروز برای انسان‌ها اشد ضرورت است، البته با موجودیت آن‌ها زندگی کردن برای انسان‌ها در زمین غیرممکن بوده است. بناءً خداوند متعال آن‌ها را توسط سنگ‌های آسمانی کلاً از بین برد تا که برای انسان‌ها یک زندگی بی تشویش مهیا شود. این اختطاریه را خداوند متعال برای انسان‌ها هم بعید نمیداند. چنانچه در سورهٔ ملک آیت (۱۷) چنین می‌فرماید، آیا ایمن شده اید از کسیکه در آسمان است از اینکه بفرستد بر شما سنگ ریزه، سپس خواهید دانست که چگونه است ترسانیدن من، یعنی خداوند متعال به انسان‌ها چنین گوشزد نمود که آنان حیوانات بسیار قوی و عظیم الجسه بودند، در مقابل سنگ آسمانی تاب نیاوردند و کاملاً از بین رفتند، شما به هیچ صورت تاب آورده نمی‌توانید، یعنی از حد میگذرید، تابع امر پروردگار باشید حالا دیگر

## ۴۸ / صلاح الدین سادات

زندگی کردن در زمین برای انسان‌ها صد در صد مهیا است. بناءً پروردگار عالم به ملائیکه مسوول امر می‌کند که به زمین رفته از گل آن بیاورد، چون مرکز تجمع ملائیکه‌ها در سدره المنتهی میباشد. شاید این گل را به سدره المنتهی برده باشد چون جنت هم در نزدیکی‌های سدره المنتهی قرار دارد. از این گل کالبد حضرت آدم (علیه السلام) ساخته شده است، سپس به آن روح دمیده می‌شود بعد از دمیدن روح به ملائیکه‌ها امر می‌شود که به آدم سجده تکریمه کنند همه سجده می‌کنند بجز ابلیس، دلیل سجده نکردن آنرا می‌پرسند، ابلیس در جواب می‌گوید که انسان از خاک آفریده شده و من از آتش. بناءً من بر آن برتری دارم، عدم اطاعت او از امر پروردگار سبب نفرین او می‌شود. سپس هر آن چیزیکه برای انسان‌ها بکار آید را پروردگار به حضرت آدم (علیه السلام) می‌آموزاند.

اول از ملائیکه‌ها سوال می‌کند، اینها به خاطر چه ساخته شده و برای چه کار می‌آیند؟ ملائیکه‌ها لاجواب میمانند و می‌گویند، پروردگارا ما چیزی را میدانیم که تو به ما آموخته‌ای، بیشتر از آن نمیدانیم. بعد از حضرت آدم (علیه السلام)

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۴۹

السلام) پرسیده می‌شود، همه آن چیزها را به خاطر چه آفریده و برای چه بکار می‌آید، همه را یکایک شرح میدهد گویا دانش حضرت آدم (علیه السلام) برتری او بر ملائیک میشود . سپس حضرت حوا خلق می‌شود، هردو به امر پروردگاره جنت برده میشوند و قتیکه داخل جنت میشوند برایشان گفته می‌شود تمام چیزهای که در جنت است، در اختیار تان میباشد. اما به جز این درخت، درخت برای شان نشان داده می‌شود و به آنها گفته می‌شود که خوردن میوه این درخت برای تان ممنوع است حتی نزدیک آن نشوید و برای شان این هم گفته می‌شود که شیطان دشمن آشکار شماست از آن خذر کنید، مبادا که فریب سخنان آنرا بخورید. حضرت آدم و حوا در جنت می‌مانند، پوشاکی ها جنتی برتن شان انواع و اقسام میوه های جنتی در اختیار شان قرار می‌گیرد، به بسیار خوشی و خرمی می زیستند، هیچ نوع غمی و اندوهی برای شان پیش نمی‌آید. اما ابلیس به جنت داخل می‌شود شروع می‌کند به وسواس کردن و آنها را تحریک می‌کند که از میوهی آن درخت بخورند. اما حضرت آدم و حوا به وسواس ابلیس اهمیت نمی‌دهند بالآخره ابلیس به حضرت حوا قسم خورده می‌گوید

۵۰ / صلاح الدین سادات

که من به شما نصیحت خیر دارم، من می‌خواهم شما این جا بطور دایمی بمانید چراکه هرکس از این میوه بخورد بطور دایم اینجا میماند، توصیه من به شما اینست که حتماً از این میوه بخورید، در نهایت حضرت حوا قبول می‌کند و نزد حضرت آدم (علیه السلام) می‌رود و حضرت آدم (علیه السلام) را تشویق می‌کند که از آن میوه بخورند. ابتدا حضرت حوا و بعد حضرت آدم (علیه السلام) از میوه درخت ممنوع می‌خورند، به مجردیکه آنها خورند پوشاک جنتی شان از تن شان دور شده و بدن شان برهنه می‌شود، این اولین آرزوی شیطان بود که هردو را بی‌ستر ببیند. حضرت آدم و حوا به مجردیکه پوشاک آنها از بدن شان می‌افتد، می‌فهمند که اشتباه بزرگی را مرتکب شدند، علی‌الفور توبه می‌کنند و کلمه که خداوند ﷻ در دل آنها انداخته بود همیشه آنها می‌خواندند و آن این بود «پروردگارا ما به خود ستم کردیم اگر تو بر ما نه بخشی و ترحم نکنی البته می‌باشیم ما از جمله زیان کاران» خداوند ﷻ توبه آنها را قبول می‌کند و برایشان می‌فرماید: من به شما نگفته بودم که شیطان دشمن آشکار شما است، دیگر جای شما اینجا نیست بلکه

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۵۱

جای شما در زمین خواهد بود، مدتی آنجا می مانید سپس بر حساب دهی حاضر میشوید. بعداً خداوند متعال گفت که پایان شوید بر زمین! همینکه خداوند ﷻ امر کرد که پایان شوید، همان لحظه حضرت آدم و حوا در زمین بودند چراکه در مقابل امر پروردگار هیچ چیزی تعلل کرده نمی‌تواند، هرچیزیکه به امر مستقیم پروردگار صورت گیرد آنی است حتی یک ثانیه هم سپری نمی‌شود مثل پیدائش کائنات با این همه عظمت در صدمین ثانیه شکل گرفته و اما هرچیزیکه توسط ملائیکه‌ها صورت گیرد زمان گیر است، این کلام پروردگار بعضی روایات را رد می‌کند که می‌گویند حضرت آدم و حوا در دوجای افتیدند، بعداً یکدیگر را پیدا کردند، چراکه خداوند متعال هر دو را یکی خطاب نمود، جدا جدا امر نکرده است. وقتیکه حضرت آدم و حوا دیدند که در زمین هستند دیگر آن ناز و نعمت که در جنت برایشان مهیا بود را از دست دادند، اینجا در زمین شاید به مشقت تمام زندگی کرده باشند به هرشکلی که باشد زندگی را ادامه دادند و به همان طور روزها و ماه‌ها سپری میشد و بعد از مدت صاحب فرزند میشوند و در هر حمل فرزندان جفت به دنیا می‌آمد، یک دختر و یک پسر. شریعت آن

## ۵۲ / صلاح الدین سادات

زمان چنین بود که دخترِ با پسریکه از یک شکم به دنیا آمده باشد ازدواج جائز نبود و بعد از آنکه پسران و دختران به سن بلوغ میرسند، میان دو پسر یکی هابیل و دگر قابیل اختلاف پیدا می‌شود، برای اینکه چرا صدقهٔ یکی قبول و از دیگری رد شد و در بعضی روایات اختلاف آنان را بخاطر دختر هم شکم آنان میدانند بر اینکه قابیل میخواست دختر هم شکمی خود را بگیرد اما حضرت آدم (علیه السلام) ممانعت میکرد، بالآخره قابل تصمیم می‌گیرد که هابیل را بکشد و چنین هم می‌کند که این حادثه اولین خون ناحق هست که در دنیا ریزانیده می‌شود.

سالها سپری می‌شود حضرت آدم (علیه السلام) هم از دنیا به دارالبقاء رحلت می‌کند، بعداً سلسله پیامبران آغاز می‌شود. چند پیامبریکه می‌آیند و سپس وفات می‌کنند، شیطان از موقع استفاده کرده به مردم می‌گوید که این پیامبران وفات کردند همه بندگان خاص خدا بودند باید مجسمه آنها به قسم وساطت‌گر میان شما و خداوند در خانه های تان قرارداشته باشد. این مجسمه را خود ابلیس ساخته و به خانهٔ هرکس یک یک دانه برده و قرارداد، اول محض بخاطر

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۵۳

احترام، سپس با گذشت زمان آن‌ها را خدا معرفی میکرد و به مردم میگفت که گذشتگان تان، اینها را عبادت میکردند شما هم عبادت کنید، به این گونه تمام مردم بت پرست میشدند. بعد خداوند ﷺ پیامبران را فرستاد و آن‌ها به مردم می گفتند که اینها چیزی نیستند که لایق عبادت باشند، عبادت خدای واحد را بکنید و ما فرستادگان او ایم. اما آن‌ها می گفتند که گذشتگان ما همین ها را عبادت میکردند ما هم همین ها را عبادت میکنیم، ما دیگر خدای را نمی شناسیم. اینها به خدایی بت ها آنقدر معتقد شده بودند که هر قدر پیامبران وعظ و نصیحت میکردند هیچ اثری بر آنها نداشت حتی بسیاری از پیامبران را شهید میکردند و بسیاری را تبعید و بعضی مشرکین به سبب دعای بد که در حق آن‌ها از سوی پیامبران میشد همگی از بین می رفتند، خلاصه خداوند متعال ده ها هزار پیامبر را بخاطر هدایت بندگانش فرستاد، کسانی را که خداوند متعال هدایت کرده بود نیک بخت و خوش طالع بودند که با ایمان از دنیا می رفتند و اما کسانی که بدبخت بودند، خداوند متعال ایمان را برای شان نصیب نکرده بود به همان شرک و بی ایمانی از دنیا میرفتند.

۵۴ / صلاح الدین سادات

آن زمان به هر قبیله و به هر قوم از میان خودشان پیامبر میفرستاد، ممکن در یک زمان واحد چندین پیامبر در چندین جای دنیا فرستاده شده باشد، تا بعثت پیامبر آخرالزمان. بعد از آن سلسلهٔ پیامبران قطع می‌شود.

## بعثت پیامبر آخرالزمان

پیش از بعثت پیامبر اکرم ﷺ تمام جهان در جهل و تاریکی به سر می برد مخصوصاً جزیره العرب، از جنگ های خانگی گرفته تا زنده بگور کردن دختران. بت پرستی به اوج خود رسیده بود هر قوم خدای خاص خود را داشت. تنها در خانه کعبه سه صد و شصت بت موجود بود. هر قبیله برای خدای خود نذر می آورد در این وقت حضرت محمد ﷺ بنام امین مشهور بود و اکثر امانات مردم نزد ایشان قرار داشت. زنی بنام خدیجه که قبلاً دو شوهر کرده بود و هردوی آنها وفات کرده بودند و از آنها به خدیجه مال زیادی به ارث رسیده بود که با آن تجارت میکرد وقتی کاروان تجارت مهیا شد، غالباً به تجارت شام می رفت برای سرپرستی کاروان تا هنوز کسی را انتخاب نکرده بود، چون امانت داری محمد ﷺ به گوش او هم رسیده بود. بناءً حضرت خدیجه فکر می کند که اگر محمد ﷺ ریاست این کاروان را بر عهده بگیرد بهتر خواهد شد. بناءً شخص را نزد محمد ﷺ میفرستد و آن شخص به آنحضرت می گوید که من از طرف خدیجه آمده

## ۱۵۶ / صلاح الدین سادات

ام و جریان را برای شان بازگو می کند، محمد ﷺ نه جواب رد میدهد و نه هم جواب مثبت، برای آن شخص می گوید که این کار وابسته به کاکایم می باشد اگر او قبول کند من هم قبول میکنم، سپس پیامبر خدا ﷺ نزد کاکایش ابوطالب می رود و جریان را برای او توضیح میدهد، ابوطالب مخالفت نمی کند بلکه راضی می شود، بعد از موافقت کاکای شان، پیامبر خدا ﷺ ریاست کاروان خدیجه را برعهده می گیرد و راهی شام می شود. در این سفر تجارتنی مفادِ هنگفتی برای خدیجه عاید می شود، علاوه بر آن غلام خدیجه بعضی کارهای خارق العاده که از پیامبر ﷺ مثل سایه ابرها بر بالای آنحضرت ﷺ را دیده بود یکا یک برای خدیجه بیان می کند، چون حضرت خدیجه یک زن زیرک و دانشمند بود بعد از شنیدن این سخنان از سوی غلام خود، نزد ورقه بن نوفل که از نزدیکان حضرت خدیجه بود و او که به کتابهای تورات و انجیل معلومات داشت، رفت و برایش هرآنچه که غلامش گفته بود را به ورقه بن نوفل بیان می کند. ورقه به خدیجه می گوید که اگر این سخنان راست باشد این، پیامبر همین قوم خواهد بود، خدیجه از این خبر بسیار

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۵۷

متعجب می‌شود و فکرش تغییر می‌کند و می‌اندیشد که به چه ترتیب او را برای همیشه تصاحب کند. اما این سخن را به کسی گفته نمی‌تواند چراکه چندین شخص ثروتمند از ایشان خواستگاری کرده بود، برای همه جواب رد داده بودند، حالا که کسی را انتخاب می‌کند، ثروتمند نیست و چیزی هم ندارد، شاید هم به طعنهٔ مردم مواجه شود. خلاصه این قصه را به زنی که خواهر خوانده‌اش بود در میان می‌گذارد، آن زن این سخن را نه تنها رد نمی‌کند بلکه انجام آنرا برعهده می‌گیرد و از نزد خدیجه رخصت می‌شود، مستقیم نزد محمد ﷺ می‌رود، پیامبر خدا ﷺ در کلبهٔ که متعلق به مادرش بود و در همان جا زندگی میکرد در آن خانه به جز یک دوشک پشمینه هیچ چیز دیگری وجود نداشت، آن زن داخل می‌شود و به پیامبر خدا ﷺ می‌گوید که ای محمد ﷺ! تا بکی میخواهی در این اتاق تک و تنها زندگی کنی، زیبایی مرد به همراه زن است، زن ترا از این تنهایی نجات میدهد، مونس و غمخوارت می‌شود. اگر سخن مرا میشنوی زن بگیر، پیامبر خدا ﷺ به آن زن می‌گوید که بلی هرچیزیکه تو گفتی همه راست است اما زن گرفتن مصارف دارد، بدون پول نمی‌شود زن گرفت. آن زن به

## ۵۸ / صلاح الدین سادات

پیامبر خدا ﷺ می‌گوید اگر من زنی را پیدا کنم که تمام خرج و مصارف را بدهد و هیچ نوع زحمتی را بالای تو نیاندازد حاضری چنین زنی را بگیری؟ پیامبر خدا ﷺ می‌گوید: بلی! چنین زنی پیدا شود حتماً میگیرم. وقتیکه پیامبر خدا ﷺ قبول می‌کند بعداً به پیامبر خدا ﷺ می‌گوید که آن زن حضرت خدیجه است. اینجاست که پیامبر خدا ﷺ پشیمان می‌شود که چرا بدون مشوره کاکایش قبول کرده علی‌الفور نزد ابوطالب می‌رود و برایش می‌گوید که خدیجه، کسی را نزد من فرستاده و میخواهد با من ازدواج کند، نظر شما در این باره چیست؟ ابوطالب بی‌درنگ قبول می‌کند، ترتیبات عروسی را می‌دهند، ورقه بن نوفل عقد نکاح را بسته می‌کند و زندگی پیامبر خدا ﷺ با حضرت خدیجه عاشقانه بود با وجود تفاوت سنی که پیامبر خدا ﷺ ۲۵ سال و خدیجه ۴۰ ساله و به روایتی هم ۴۵ سال داشت بعد از وفات حضرت خدیجه هم پیامبر خدا ﷺ همیشه از ایشان یاد میکردند، حالا دیگر پیامبر خدا ﷺ از طرف خانه کاملاً خاطر جمع شده بود چراکه حضرت خدیجه تمام اموال خود را در اختیار پیامبر خدا ﷺ گذاشته بود. پیامبر خدا ﷺ را یک چیز

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۵۹

بسیار آزار میداد که همان روشی اقوام شان بود، می دید که آن‌ها چیزی را پرستش می‌کنند که هیچ نوع اختیاری از خود ندارد، همه ساخته دست خودشان است و می‌اندیشید که اینها چطور خدا شده می‌توانند درحالی‌که از خود دفاع کرده نمی‌توانند، جهان را چگونه خلق کرده می‌توانند.

پیامبر خدا ﷺ همیشه در خلقت جهان فکر میکردند. بناءً اکثر اوقات خود را به تنهایی سپری میکردند در رمضان‌ها به غار حراء میرفتند تا که سن شان به چهل سالگی رسید در همین سال در ماه رمضان در غار حراء بودند، کسی به پیامبر خدا ﷺ می‌گوید که بخوان، پیامبر خدا ﷺ در جواب می‌گوید که خواندن بلد نیستم، بار دوم پیامبر خدا ﷺ را در بغل می‌گیرد و می‌فشارد و باز می‌گوید بخوان، پیامبر خدا ﷺ می‌گوید خواندن بلد نیستم، سه بار این سخن تکرار می‌شود و هر بار پیامبر خدا ﷺ همان جواب را میدهد که خواندن بلد نیستم، بار چهارم می‌گوید که بخوان بنام پروردگارت آنکه خالق همه چیز است آفرید انسان را از خون بسته بخوان پروردگار تو بسیار کریم است آنکه علم آموخت انسان را بواسطه قلم و آموخت انسان را آنچه نمیدانست. اینجا حضرت جبرئیل (علیه السلام) بصورت آدمی آمده با شد، اما بعداً

۱۶۰ / صلاح الدین سادات

برای اینکه در دل پیامبر ﷺ کدام شک و شبه‌ای خطور نکند، خود را از فراز آسمان‌ها بصورت اصلی نمایان می‌کند و به پیامبر خدا ﷺ می‌گوید که من جبرئیل (علیه السلام) ام و تو پیامبر این امت هستی، پیامبر خدا ﷺ حضرت جبرئیل (علیه السلام) را دوبار به صورت اصلی دیده اند یکی همین جا یعنی در غار حراء در اولین وحی و یک بار دیگر هم در سدره المنتهی.

پیامبر خدا ﷺ می‌گوید، وقتی برطرف آسمان که نگاه میکردم، حضرت جبرئیل (علیه السلام) را میدیدم، تمام فراز آسمان را پُر کرده بود. این گفته‌های پیامبر خدا ﷺ نشان دهنده آن است که حضرت جبرئیل (علیه السلام) چقدر بزرگ و با عظمت است درحالیکه یک ثانیه نوری از زمین فاصله داشته باشید دیگر زمین را با این بزرگی دیده نمی‌توانید مگر حضرت جبرئیل (علیه السلام) تمام فضا را پُر کرده بود. بناءً پیامبر خدا ﷺ خیلی پریشان می‌شود و علی‌الفور به خانه برمیگردد درحالیکه تمام اندام آنحضرت ﷺ می‌لرزید، به حضرت خدیجه می‌گوید که مرا بیچان مرا چیزی شده و تمام قضیه را به حضرت خدیجه بازگو می‌کند، حضرت

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۶۱

خدیجه به پیامبر خدا ﷺ می‌گوید که ترا چیزی نمی‌شود چراکه تو دست خیرداری همیشه دست بالای یتیمان و غریبان می‌باشد. بناءً هیچ‌گزندی بر تو نمی‌رسد. این تسلیت حضرت خدیجه باعث می‌شود که پیامبر خدا ﷺ اندکی آرام بگیرد و به بخواب برود. وقتیکه پیامبر خدا ﷺ به خواب می‌رود علی‌الفور حضرت خدیجه نزد ورقه می‌رود و این گزارش را برای ورقه بیان می‌کند، ورقه بعد از شنیدن این موضوع، به حضرت خدیجه مژده می‌دهد که شوهرت به پیامبری مبعوث شده است.

خداوند متعال اولین وحی خود را برای آنحضرت ﷺ به امر آموختن علم آغاز نمود و این را خاطر نشان نمود که علم از اهمیت خاصی برخوردار است، چنانچه می‌بینید در هر جای که آنجا علم حاکم است به همان اندازه پیش رفت و ترقی وجود دارد در جای که جهل و نادانی حاکم باشد، مردمانش خار و ذلیل اند. علم منحصر به علم دینی نیست تمام علوم را شامل است چه علم دینی باشد و یا هم علم دنیوی، هدف ما تا بعثت پیامبر آخرالزمان بود که ذکر گردید.

۱۶۲ / صلاح الدین سادات

## علاماتِ قیامت

بعثت پیامبر آخرالزمان اولین نشان قُرب قیامت است و دومین نشان قُرب قیامت در زندگی محمد ﷺ شق القمر است. این هردو نشانه قُرب قیامت هستند که صورت گرفته اند اما بقیه علامات و نشانه‌های قیامت بعد از رحلت پیامبر ﷺ پدید می‌آید، همه علامات صغرا به وقوع پیوسته اند اما علایم کُبرا در شرف بوقوع پیوستن اند. یکی از علایم کُبرا اینست که پیامبر ﷺ می‌فرماید: در آخرالزمان وقت می‌آید که هر آن واقعه که در شرق واقع شود، علی‌الفور آنرا غربی‌ها می‌بینند، و یا هم هر واقعه‌ای در غرب واقع شود شرقی‌ها می‌بینند. این علامت را حالا توسط اینترنت یا تلویزیون به چشم سر می‌بینیم و دومین نشان کُبراء قُرب قیامت برآمدن مسیح‌الدجال است. دجال به معنی فتنه‌گر هرچیزیکه مبنای آن برخلاف شریعت باشد اذهان مردم را تخریب سازد و سبب ضعف ایمان شود، به دجال شامل است چراکه چندین حدیث به صیغه جمع ذکر شده است

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۶۳

یعنی «دجالون» معنی دجال‌ها را میدهد اما یکی از این دجال‌ها بسیار خطرناک و همه‌گیر است و نام آن مسیح‌الدجال می‌باشد. مسیح‌الدجال چندین علائیم دارد، اولین علامت آن یک چشم بودن آن است و دومین نشان آن زنده کردن مرده هاست. بناءً نام آنرا مسیح گذاشته اند و سومین نشان آن بودن همه چیز در ذخیره‌گاه آن است، تمام چیزیکه در جهان باشد می‌توانید در ذخیره‌گاه آن پیدا کنید چه بد باشد و چه نیک حتی در داخل ذخیره‌گاه آن جنت و دوزخ نیز می‌باشد. چهارمین نشان آن این است که هیچ خانه نیست که دجال داخل نشود، پنجمین نشان آن این است که به داخل شدن خانه از هیچ کس اجازه نمی‌گیرد ولو که شاه باشد یا گدا، ناخواسته داخل می‌شود که حتی صاحب خانه ناراض باشد. دیگر علائیمش این است که کوه از آب و غذا دارد، منظور از کوه غذا یعنی پول فراوان است.

افراد مسیح‌الدجال متشکل است از زنان و پولداران، بعضی علماء اسلام از مسیح‌الدجال انترنت را گرفته اند، می‌گویند تمام علائیم ذکر شده به انترنت صدق می‌کند. مثلاً اولین نشان آن یک چشم بودن آن است که انترنت هم آئینه دید

## ۱۶۴ / صلاح الدین سادات

آن، یک صفحه دارد که نشان یک چشم بودن آن است. انترنت را هم تا بدست لمس نکنی زنده نمی‌شود، سومین نشان آن هم همه چیزبودن در ذخیره‌گاه آن است که در ذخیره‌گاه انترنت هم همه چیز دنیا موجود است حتی جنت و دوزخ منظور از جنت و دوزخ چیزهای خوب و خراب می‌باشد اگر میخواهید چیزی خوب را ببینید می‌توانید قرآن تلاوت کنید، می‌توانید تفسیر قرآن را مطالعه کنید، می‌توانید احادیث پیامبر را بخوانید، خلاصه تمام خوبی‌های دنیا را دارد اما چیزهای بد به هیچ کس پوشیده نیست که تمام فحاشی دنیا در آن موجود است، علاوه بر آن بسیار شبکه‌های شیطانی است که بطور مداوم به تخریب عقیده مسلمانها فعالیت می‌کنند. بناءً خوب آن جنت است و بد آن دوزخ می‌باشد. چهارمین نشان آن این بود که هیچ خانه‌ای نیست که دجال داخل نشود، حالا کدام خانه‌ای است که بدون انترنت باشد، مگر اینکه آن خانه نان خوردن نداشته باشد و مجبور باشد. پنجمین نشان آن داخل شدن به خانه‌ها بدون اجازه است، حالا به داخل شدن نه اجازه گرفته و نه هم بزور داخل شده است، بلکه خودمان خریده به خانه

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۶۵

آورده ایم. دیگر علائمش کوه از آب و غذا است که منظور پول فراوان می باشد حالا شبکه های انترنتی به کسان تعلق دارد که پول دارترین مردمان جهان می باشند و دیگر علائمش این است که افراد آن متشکل از زنان و مردمان پولدار میباشند. در این شکی نیست که تمام فحاشی توسط زنان و افراد پولدار صورت می گیرد و هم بدون پول نمی شود که عضو آن باشید. بناءً به عقیده این علماء دجال آمده است، اگر این را صحت بگیریم منتظر آمدن حضرت عیسی (علیه السلام) باشیم چراکه گشوده دجال، حضرت عیسی (علیه السلام) می باشد. و تیکه حضرت عیسی (علیه السلام) بیاید، انترنت خود بخود قطع می شود. همه چیز ماشینی دنیا خاموش می شود. پیامبر ﷺ از فتنه مسیح الدجال به خداوند ﷻ پناه برده است. اگر این دجال نباشد، کمتر از دجال هم نیست چراکه همه را مشغول خود ساخته چه صغیر باشد یا کبیر، چه عالم باشد و چه جاهل، چه زن باشد و چه مرد همه وابسته ی آن شده اند.

۱۶۶ صلاح الدین سادات

### بعثت حضرت عیسیٰ (علیه السلام) تا نزول آن بر زمین

یکی از علایم گُبرا قیامت، نزول حضرت عیسیٰ (علیه السلام) به زمین است. حضرت عیسیٰ (علیه السلام) ۲۰۲۵ سال قبل از یک دختر باکره به اسم مریم در بیت اللحن زیر درخت خرما، بدون پدر به دنیا آمده است، چون حضرت جبرئیل (علیه السلام) مریم را زیر آن درخت راه نمایی کرده و برایش گفته بود زیر این درخت می‌مانی و هرگاه گرسنه شدی، آنرا تکان بده، از آن خرما می‌ریزد، از آن بخور و از زیر درخت چشمه جاری می‌شود از آب آن بنوش چون وقت زایمان فرا رسید. حضرت مریم با خود میگفت کاش سالها پیش می‌مردم که از اذهان مردم فراموش میشدم تا کسی مرا یاد نمی‌کرد. با وجودیکه میدانست همه کار از طرف پرودگار است اما طبیعتاً در دل حضرت مریم سخنانی خطور میکرد که فردا نزد مردم این کودک را ببرم به آنها چه بگویم. خلاصه بعد از زایمان حضرت جبرئیل (علیه السلام) نزد حضرت مریم می‌آید

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۶۷

و برایش می‌گوید که چند روز بعد به بیت المقدس میروی و در همان جای که حضرت زکریا (علیه السلام) برای عبادت‌گاه ساخته بود، به آنجا میروی، وقتیکه به بیت المقدس رسیدی مردم از تو سوال بکنند که این طفل را از کجا آوردی؟ جواب نمی‌گویی و اشاره میکنی که من روزه دارم و با کسی صحبت نمیکنم و به طرف کودک اشاره میکنی که از همین کودک سوال کنید به همان روز یکه حضرت جبرئیل (علیه السلام) تعیین کرده بود به طرف بیت المقدس حرکت می‌کند وقتیکه به بیت المقدس میرسد همه مردم اطرافش را میگیرند، مخصوصاً علمای یهود که در بیت المقدس بودند هرکس هرچیزی میگفتند، چند نفر از علماء یهود به نمایندگی از دیگران از حضرت مریم می‌پرسد، ای خواهرِ هارون! پدرت آدمی بدی نبود، مادرت هم زنی خدا ترس و عابده بود، چطور شد که تو مرتکب چنین گناه بزرگی شدی و این طفل نامشروع را از کجا آوردی؟ حضرت مریم به سوی طفل اشاره میکرد که از این طفل سوال کنید و به اشاره میگفت که من روزه دارم. همه نمایندگان فریاد کشیدند، بجای اینکه عذر و معذرت خود را پیش کنی به ما تمسخر هم میکنی، کدام طفل در گهواره سخن گفته که

## ۱۶۸ / صلاح الدین سادات

این بگوید؟ در این وقت است که طفل به صدای بلند می‌گوید: «من بندهٔ خدایم، فرستادهٔ اویم، داده می‌شود به من کتاب آسمانی که انجیل است، مامور شده ام که نماز بخوانم و روزه بگیرم و زکات بدهم و به مادرم نیکی کنم چون همگی این حالت را می‌بینند همه می‌دانند که به جز از معجزهٔ پیامبری چیزی دیگری نیست، بعد از آن هیچکس لب به طعن نگشودند. حضرت مریم همراه با فرزندش در همان عبادت‌گاه که حضرت زکریا برایش ساخته بود به عبادت خدا ﷻ مشغول می‌شود، روزها و سال‌ها سپری می‌شود، زمانیکه حضرت عیسی (علیه السلام) به سن بلوغ میرسد از طرف خداوند ﷻ رسماً به پیامبر مبعوث می‌شود و برای مردم شروع میکند به تبلیغ کردن احکام الهی، به شریعت جدید حضرت عیسی (علیه السلام)، چند نفر مخلص بنام حواریون داشت که مجموعاً ۱۲ نفر بودند، در همه جا حضرت عیسی (علیه السلام) را کمک میکردند.

تبلیغ حضرت عیسی (علیه السلام) گاه علنی و گاه بطور مخفی ادامه داشت، بسیار مردم با این دین جدید می‌پیوستند، حضرت عیسی (علیه السلام) مشهورترین پیامبران بعد از پیامبر

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۶۹

اسلام میباید با معجزه‌های بسیار مشهود مثل زنده کردن مرده‌ها، شفا دادن مریضان، این کار حضرت عیسی (علیه السلام) به یهودیان سخت تمام میشود. یهودیان فکر میکردند که بدین ترتیب، حضرت عیسی (علیه السلام) پیش برود، دین ما از بین خواهد رفت. بناءً برعلیه حضرت عیسی (علیه السلام) توطئه چینی می‌کنند، نزد امپراطور وقت میروند و می‌گویند که کسی پیدا شده دعوی پادشاهی می‌کند و برعلیه امپراطور، مردم را تحریک می‌کند. پادشاه هم حکم بر صلیب کشیدن حضرت عیسی (علیه السلام) را صادر می‌کند، مگر افراد امپراطور و یهودیان نمیدانستند که حضرت عیسی (علیه السلام) در کجا است، چون قبلاً به حضرت عیسی (علیه السلام) خبر داده بودند که سربازان در پی دستگیری آنها است. بناءً حضرت عیسی (علیه السلام) در پناه‌گاه به سر می‌برد. مخفی‌گاه حضرت عیسی (علیه السلام) را به جز حواریون کسی دیگر نمیدانست و یهودیان هم برای کسی که مخفی‌گاه حضرت عیسی (علیه السلام) را نشان دهد، پول هنگفتی وعده داده بود، اینجاست که یکی از حواریون دست به خیانت زده و حاضر می‌شود که در مقابل پول مخفی‌گاه حضرت عیسی (علیه السلام) را به یهودیان نشان دهد. این شخص همراه با یهودیان و سربازان

## ۷۰ / صلاح الدین سادات

میروند به دستگیری حضرت عیسی (علیه السلام) هنگامیکه داخل مخفی گاه میشوند، حضرت جبرئیل (علیه السلام)، حضرت عیسی (علیه السلام) را از آنجا با خود می برد و خداوند متعال چهره همان مخبر را مشابه به چهره حضرت عیسی (علیه السلام) میگرداند. سربازان وی را به عوض حضرت عیسی (علیه السلام) دستگیر می کنند، آن شخص هر قدر که فریاد میزند و می گوید که من رفیق شما هستم، عیسی نیستم اما آن ها می گفتند چرا داد می زنی، اینقدر مردم را زنده می کردی اما خود را زنده کرده نمی توانی، خلاصه هر چه داد میزد کسی صدایش را گوش نمی کرد تا اینکه به صلیب کشیده شد، بعد از به صلیب کشیده شدن وی، میان همان افراد اختلاف پیدا شد، اگر این شخص عیسی (علیه السلام) باشد پس رفیق مان چه شد؟ و اگر این شخص رفیق مان باشد پس حضرت عیسی (علیه السلام) کجا شد. بناءً به شک و تردید باقی ماندند.

حضرت عیسی (علیه السلام) زنده است و روزی به زمین خواهد آمد، آمدن حضرت عیسی (علیه السلام) وقتی است که اختلاف شدید مذهبی میان مسلمانان شدت می گیرد، مسلمانان هر مذهب فقط خود را مسلمان و غیر مذهب خود را کافر

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۷۱

میدانند برای اینکه از مذهب آن نیست، کشته میشوند. علماء آن زمان بدترین مردمان روی زمین می‌باشند نه حلال را حلال و نه هم حرام را حرام می‌دانند، عمل کرد مسلمانان به اندازه‌ی خشن می‌شود که در هر جای از دنیا مسلمانان مورد توهین و تحقیر قرار می‌گیرند. پیامبر اکرم ﷺ مهربانی می‌کند با وجود کثرت نفوس تان آنقدر خار و ذیل میشوید که به اندازه‌ی خس و خاشاک ارزش نمی‌داشته باشید. وقتیکه علت را پرسیدند، گفتند از بی‌ایمانی تان. در چنین وقت است که حضرت عیسی به زمین فرود می‌آید فرود آمدن حضرت عیسی را تمام جهانیان می‌دانند هیچ کس شک نمی‌کند همه متیقن می‌شود بخاطریکه حضرت عیسی (علیه السلام) توسط تکنالوژی پیشرفته به دنیا می‌آید که تمام تکنالوژی وقت از کار می‌افتد، همه چیز غیرفعال میشوند، قسمیکه قبلاً گفته شد که کشنده‌ی دجال، حضرت عیسی (علیه السلام) است.

بعضی از علماء انترنت را مسیح‌الدجال می‌دانستند، با ظهور حضرت عیسی (علیه السلام) انترنت هم خاموش می‌شود.. همه تکنالوژی وقت به انترنت وصل است وقتیکه انترنت خاموش شد همه چیز خاموش می‌شود، بعد از اینکه حضرت

## ۷۲ / صلاح الدین سادات

عیسی (علیه السلام) بر زمین فرود آمد از خود شریعت جدید نمی آورد بلکه به شریعت حضرت محمد ﷺ عمل می کند، ظهور حضرت عیسی هم زمان با ظهور امام مهدی می باشد. ظهور امام مهدی را هم اهل تسنن و هم اهل تشیع تأیید می کند، مگر در قرآن کریم ذکر نشده منتها وی نیز از خود کدام قانون منحصر به فرد ندارد، او یاور حضرت عیسی (علیه السلام) می باشد.

پیش از ظهور حضرت عیسی (علیه السلام) چند واقعه در جهان رخ میدهد، یکی دجال است، اگر گفته های بعضی علماء که گویا انترنت مسیح الدجال است، صحیح باشد؟ پس آنهم ظاهر شده است. دوم دابت الارض است، دابت الارض در قرآن کریم نیز ثابت است اما در باره جزئیات آن زیاد بحث نشده است، غالباً آنهم ساخته دست بشر باشد مثل هوش مصنوعی، چرا که خداوند ﷻ آنرا جنبنده در روی زمین گفته است، صاحب روح ذکر نکرده است. چرا که هوش مصنوعی هم مثل انسان ها تمام کار را می کند. با این حال اگر کشورها به رقابت یک دیگر به ساختن آن بپردازند و در تمام مسایل آن را دخیل سازند، آهسته آهسته تمام

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۷۳

اختیارات را به آنها واگذار کنند در آن وقت است که تمام بشریت به خطر جدی مواجه خواهد شد، چراکه آنها به مراتب هوشمندتر از انسانها می باشد. این دو علانیم یعنی دجال و دابت الارض پیش از ظهور حضرت عیسی (علیه السلام) واقع می شود.

واقعه سوم برآمدن یاجوج و ماجوج است که در اوایل سالهای که حضرت عیسی (علیه السلام) به زمین فرود می آید، ظهور می کند. او خطرناک ترین چیزی است که انسانها به آن روبرو میشوند، تعداد شان نامحدود و بی اندازه است، آنها تا روزیکه خداوند ﷻ بخواهد در سدسکندر محبوس اند، وقتیکه اراده خداوند ﷻ شود که آنها از حبس رها شوند همان وقت است که سد باز مشود. آنها بیرون میشوند و هرآن چیزیکه از پیش روی شان برآید را نابود می کنند به هیچ کس و به هیچ چیزی رحم نمی کنند، تمام دنیا را می گردند، بعداً حضرت عیسی (علیه السلام) را تعقیب می کنند. آنده از مردم که به همراه حضرت عیسی (علیه السلام) هستند به طرف بیت المقدس می روند، یاجوج و ماجوج هم به تعقیب آنها به بیت المقدس می روند. یاجوج و ماجوج به مکه و مدینه داخل شده نمی توانند. بعداً حضرت عیسی (علیه السلام) به

## ۷۴ / صلاح الدین سادات

پروردگار دعا می‌کند که از شرِ یاجوج و ماجوج رهایی پیدا کند و خداوند متعال دعای حضرت عیسی (علیه السلام) را اجابت می‌کند همه آن‌ها یک شبه بنا به مرضِ همه‌گیر مثل (وبا) از بین می‌روند و تعفن اجساد آن‌ها همه‌جا را فرا می‌گیرد، حتی گشت و گذار ناممکن می‌شود، بازهم به دعای حضرت عیسی (علیه السلام) پرنده‌های عظیم الجسه پیدا میشوند و تمام اجساد آن‌ها را دور از انظار مردم می‌اندازند و بعد از نابودی آن‌ها همه از مصیبت خلاص میشوند، همه جا مملو از خوشی و خوشحالی می‌شود کسی به کسی ظلم نمی‌کند هیچ کس به دارای کسی تعدی نمی‌کند چون همه سیر هستند بخاطریکه نفوس جهان به حداقل میرسد، شخص زکات گیر به کلی یافت نمی‌شود، زمین تمام اشیای قیمتی خود را بیرون می‌کند همه باقی مانده انسان‌های روی زمین به حضرت عیسی (علیه السلام) بیعت می‌کنند، حضرت عیسی (علیه السلام) چهل سال زندگی نموده و بعد از چهل سال وفات می‌کند. چون قبرشان از همین حالا در پهلوی مرقد حضرت محمد ﷺ در مدینه منوره نگهداری شده است و در همان قبر دفن میشوند. بعد از درگذشت حضرت عیسی (علیه)

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۷۵

السلام) عقیده مردم رو به خرابی می‌رود هر روزیکه سپری می‌شود بد و بدتر می‌شود، به گذشت اندک زمان فحشاء به اوج خود می‌رسد، زنا بطور علنی در کنار جاده‌ها صورت می‌گیرد، هیچ کس ممانعت نمی‌کند با ایمان ترین شخص آن زمان کسی است که زناکار را در کنار جاده عمومی می‌بیند و برایش می‌گوید اگر این کار را دورتر از اینجا بکنی، آنجا خلوت تر است، گویا این شخص با ایمان ترین شخص همان زمان می‌باشد. آهسته آهسته نه نمازخوانی باقی می‌ماند و نه هم اداء کننده ارکان دیگر. بی‌خدایی به حدی می‌رسد که حتی در تمام جهان یک بار نام الله ﷻ گرفته نمی‌شود. باقی میماند خانه کعبه به احترام خانه کعبه قیامت برپا نمیشود.

در همان زمان یمنی‌ها بالای عربستان سعودی حمله می‌کنند، عربستان را می‌گیرند، بعد از تسخیر عربستان، خانه کعبه را خراب می‌کنند، پیامبر اکرم ﷺ می‌گوید، شخصی که خانه کعبه را ویران می‌کند، همین حالا می‌بینم، کسی است که سیاه پوست است ساقهای باریک باریک دارد.

۷۶ / صلاح الدین سادات

آخرین نشان قیامت طلوع آفتاب از مغرب است بعد از این واقعه، دروازه توبه بسته می‌شود، حالا دیگر هر لحظه امکان دارد قیامت برپا شود. واقعه قیامت توسط صور اسرافیل آغاز می‌شود.

### صور اول اسرافیل

با وجود این همه علائیم مردم به حالت نورمال زندگی می‌کنند، چرا که در وقت وقوع قیامت بعضی‌ها در خواب و بعضی‌ها در بازی کردن و بعضی‌ها در فعالیت روزمره شان مشغول اند، چنانچه در سوره یاسین آیت (۴۹) چنین می‌فرماید: «مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ». ترجمه: انتظار نمی‌برند مگر یک آواز سخت را که بیگیرد ایشان را در حالیکه ایشان در معاملات شان خصومت دارند، این اولین صور اسرافیل است، بعداً در آیت (۵۰) همان سوره می‌فرماید: پس نمی‌توانید هیچ توصیه و نه طرف خانه رفته می‌توانید. بعد از این آواز هیچ کس نمی‌تواند از جای خود تکان بخورد نه طرف خانه رفته می‌تواند و نه هم در فکر فامیلش است، بلکه وحشت تمام جا را فرا می‌گیرد، همه درغم خود و در عین حال همه

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۷۷

طرف بی‌هوشی می‌روند بخاطریکه صدا هر لحظه خشن و خشن تر می‌شود، صدا به حدی می‌رسد که هر آن کسی که در زمین باشد و یا هم در آسمان‌ها همه بی‌هوش می‌شوند مگر کسی را که خداوند ﷻ بخواهد آن مستثنی می‌باشد. چنانچه خداوند متعال در سوره نمل آیت (۸۷) چنین می‌فرماید: «وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ». ترجمه: روزیکه دمیده شود در صور پس بی‌هوش شود کسیکه در آسمان‌ها است و کسی که در زمین است مگر کسی را که خدا ﷻ بخواهد.

در آغاز صدا نه تنها باشندگان زمین را بلکه خود زمین هم که وقتی صدا را بشنود چنان تکان می‌خورد که همه باشندگان آن به حیرت می‌روند، این لرزه به قسم زمین لرزه امروزی نیست چراکه زمین لرزه امروزی تنها یک قسمتی از زمین را می‌لرزاند و قسمتی دیگر آن آرام است، چون این لرزه به اثر تصادم آتش داخل زمین به وجود می‌آید اما آن لرزه بخاطر شنیدن صدای صور اسرافیل به وجود می‌آید. بناءً تمام بدنه زمین می‌لرزد، هم‌چنان آسمان‌ها که تا حال زمین را از تمام بلاهای آسمانی محافظت می‌کرد، خود تکه تکه می‌شود. چنانچه خداوند متعال در سوره الطور آیت (۹)

## ۷۸ / صلاح الدین سادات

چنین می‌فرماید: روزیکه بلرزد آسمان به لرزه آمده. خداوند ﷻ این واقعه را زلزلهٔ روز قیامت نامیده است، این صدا مخصوص به زمین نیست بلکه تمام کهکشان راه شیری را فرا می‌گیرد، در هرجای از این کهکشان باشید، فکر می‌کنید که صدا از همین نزدیکی بلند می‌شود. چنانچه خداوند ﷻ در سورهٔ ق آیت (۴۱) می‌فرماید: بشنو روزیکه آواز دهد آواز دهنده از مکان قریب. این واقعهٔ قیامت تنها در زمین است یا در کل کهکشان راه شیری و یا در کل عالم است؟! از قرار که خداوند ﷻ در سورهٔ نمل آیت (۸۷) تذکر داده است که هرآن چیزیکه در آسمان‌ها است و هرچیزیکه در زمین باشد از کار می‌افتد، اگر منظور از آسمان‌ها همین هفت طبقه آسمان که دور زمین، دور منظومهٔ شمسی و دور کهکشان ساخته شده است، باشد، در این صورت واقعهٔ قیامت منحصر به همین کهکشان می‌باشد چراکه خداوند متعال فرمود: هر آن چیزی که در زمین است و هرآن چیزیکه در آسمان‌ها است، آسمان هفتم هم تمام کهکشان راه شیری را تحت پوشش خود دارد، چنانچه خداوند ﷻ در سورهٔ ملک می‌فرماید: به تحقیق زینت

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۷۹

دادیم آسمان دنیا را به ستاره‌ها، دنیا همان کل کهکشان را گویند. (والله اعلم) اگر واقعهٔ قیامت منحصر به کهکشان راه شیری باشد این بدان معنی نیست که دیگر کهکشان‌ها همیشه باقی خواهند ماند، بلکه آن‌ها هم روز فنا می‌شوند. اگر واقعهٔ قیامت در تمام کائنات می‌بود خداوند ﷻ آنرا یک واقعهٔ عالمی ذکر میکرد، اینجا منحصر به آسمان‌ها ذکر کرده، چراکه خداوند متعال همه کائنات را به نام عالم یاد کرده، چنانچه در سورهٔ جاثیه آیت (۳۶) چنین می‌فرماید: «فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ وَرَبِّ الْعَالَمِينَ». ترجمه: پس مرالله راست حمدیکه پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین و پروردگار عالم‌ها است چراکه خداوند متعال آسمان‌ها را جدا ذکر نمود و عالم‌ها را جدا، اگر عالم داخل آسمان‌ها می‌بود نیاز به تکرار عالم نبود، معلوم است که عالم‌های بیرون آسمان، داخل آسمان نمی‌باشند. هم‌چنان در سورهٔ الاحقاف آیت (۳) می‌فرماید: «مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى». ترجمه: نیافریدیم آسمان‌ها و زمین را و آنچه در مابین آن‌ها است مگر به حکمت، تا یک وقت معین. اینجا هم وقت معین را به آسمان‌ها و آن چیزیکه داخل آسمان‌ها است،

## ۸۰ / صلاح الدین سادات

عبارت از ستاره‌ها و سیاره‌ها منحصر کرد، کل عالم را ذکر نکرد. بناءً غالباً همین است که قیامت در همین کهکشان که ما زندگی میکنیم برپا شود. صدای صور اسرافیل آنقدر محیب است که هیچ چیز تاب مقاومت آنرا ندارد. بناءً تمام ستاره‌ها و سیاره‌ها فعالیت خود را از دست میدهند. وقتیکه سیاره‌ها فعالیت خود را از دست دادند، خورشید تمام سیارات خود را به خود جذب کرده و در بدنه خود خود می آورد، چنانچه خداوند ﷻ در سوره القیامت، آیت (۹) چنین می فرماید: «وَجَمَعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرَ». ترجمه: جمع می شود آفتاب و ماه، ماه عبارت از سیاره‌ها میباشد، همه یکجا جمع میشوند به استثنای زمین اما زمین بر حالت خود باقی می ماند چون زمین در دست قدرت پروردگار از تمام بلاها محفوظ است. چنانچه در سوره زمر آیت (۶۷) چنین می فرماید: «وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». ترجمه: زمین همه در مشت او است روز قیامت یعنی می گوید زمین کاملاً بدون کم و کاست صحت و سالم درکف دست پروردگار می باشد، چون همه‌ی این تحولات بخاطر زمین است، چون همه محاسبه شدنی‌ها داخل زمین می باشند.

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۸۱

بناءً زمین را از تمام نابودی که توسط صور اسرافیل به وجود آمده بود، نگه داشت. خورشید تا آندم تمام فعالیت خود را از دست نداده بود اما بعداً خورشید هم آهسته آهسته فعالیت خود را از دست می‌دهد، نور آن از بین می‌رود مثل فنیر سفیدی دارد اما نور ندارد تمام ستاره‌ها همین طور می‌شوند اما زمین چنین نیست بعضی تغییرات به زمین هم می‌آید مثلاً زمین، دور خود می‌چرخد که از آن روز شب به وجود می‌آمد دیگری چرخد. دور خورشید می‌چرخد که سال تولید شود دیگر نمی‌چرخد. تا حالا کروی شکل بود از آن تغییر میکند به مسطح بودن. کوه‌ها هم غالباً توسط ملائیکه‌ها آورده شده بودند، حالا توسط آن‌ها چنان بالای یک دیگر کوبیده می‌شوند، مثل ریگ نرم و هموار می‌شود. این واقعه را در چندین جای از قرآن ذکر می‌کند، مثلاً در سوره القارعه، آیت (۵) می‌فرماید: «وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ». ترجمه: می‌باشد کوه‌ها مثل پشمی ندافی شده، همچنان در سوره الواقعة، آیت (۵) چنین می‌فرماید: «وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا». ترجمه: پس میشوند غبار پراکنده یعنی بناء به اثر کو بیدن بالای یگد یگر چنان چنگ و غباردر هوا پراکنده میشود مثلیکه دود از آتش بالا می‌شود،

۸۲ / صلاح الدین سادات

همچنان در سوره انشقاق آیت (۳) می فرماید: «وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ». ترجمه: و چون زمین هموار کرده شود. خلاصه چنین آیات در قرآن زیاد آمده است. همه گواه آن است که کوهها مثل ریگ میده شده کاملاً مثل کف دست هموار می گردد، فاصله بین صور اول و صور دوم در بعضی روایات تا چهل سال را گرفته اند، ممکن تا صدها سال دوام داشته باشد چراکه این شروع پنجاه هزارسال روز قیامت است. چه مدت که خدا بخواهد دوام می کند بعداً صور دوم دمیده می شود.

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۸۳

### دمیدنِ صورِ دوم

صدای صورِ دوم صدای زنده کردن است. چنانچه خداوند متعال در سوره ق آیت (۴۲) چنین می‌فرماید: «يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ». ترجمه: روزیکه بشنود آواز محقق را آنروز، روز برآمدن از قبرهاست، هم‌چنان در سوره الزمر آیت (۶۸) چنین می‌فرماید: «ثُمَّ نَفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ». ترجمه: وقتیکه دمیده شود در صور بار دیگر پس ناگهان برآیند از قبرها در حالیکه ایستاده اند به هرطرف می‌نگرند، وقتیکه صور دوم را شنیدند ناگهان از قبرها بالا می‌شوند درحالیکه ایستاده اند به هرطرف می‌نگرند حیران می‌مانند که چه واقعه پیش آمده است، ما که مرده بودیم چگونه دو باره زنده شدیم. بناءً مات و مبهوت می‌مانند، هم‌چنان در سوره ق، آیت (۲۱) چنین می‌فرماید: «وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ». ترجمه: و بیاید برای هر نفر دو فرشته یکی راننده

## ۸۴ / صلاح الدین سادات

و دیگر گواهی دهنده هرآئینه بودی در بی خبری از این روز پس برداشتیم از تو پرده غفلتِ ترا، پس چشم تو امروز تیز است. به مجردیکه مرده‌ها از قبر برآیند دو فرشته به استقبال‌شان می‌آید اگر آن شخص مرد صالح و یا زن صالحه باشد مثل یک مهمان برخورد می‌شود، برایش می‌گویند که قیامت برپا شده است و ما ترا به طرف محشرگاه می‌بریم، غمگین مشو، اما اگر از منکرین باشد برایش می‌گویند چه شده به هرطرف نگاه می‌کنی پریشان هستی حالا چشمت را خوب باز کن خوب اطرافت را تماشا کن، از این روز کاملاً بی‌خبر بودی حتی باور نمی‌کردی، منکر خدا و رسول بودی به اخبار پیامبران تمسخر می‌کردی، در اولین ملاقات به ملائیکه‌ها با چنین طعنه‌ها روبرو می‌شوند، هرسخن که ملائیکه‌ها به آن شخص می‌گویند به حسرت وندامت آن شخص افزوده می‌شود. به طرف محشرگاه سوق داده می‌شود، هم‌چنان در سوره یاسین آیت (۵۲-۵۱) چنین می‌فرماید: وقتیکه دمیده شود در صور پس ناگهان برآیند ایشان از قبرها از(خوابگاه) شان برای شان گفته می‌شود این است آنچه وعده کرده بود

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۸۵

رحمن و راست گفته بودند پیامبران. هم‌چنان در سورهٔ قمر از آیت (۶-۷) چنین می‌فرماید: روزیکه دعوت کند دعوت کننده بسوی چیزی ناگوار در حالیکه دلیل باشد چشم‌های شان برآیند از قبرها گویا ایشان ملخ‌های پراکنده اند، می‌گویند منکرین این روز است سخت، خلاصه این روز برای منکرین خدا بی‌نهایت سخت و پریشان کننده خواهد بود، پس اولین و آخرین از قبرها بالا میشوند، همه توسط ملائیکه‌ها بطرف محشرگاه سوق داده می‌شوند. شاید زمین را در سدره المنتهی برده باشند چراکه در قرآن کریم ذکر می‌شود، جنت در نزدیکی سدره المنتهی قرار دارد، هم‌چنان محل تجمع ملائیکه‌ها هم می‌باشد زمین را در جای قرار میدهند که هم جنت نمایان است و هم دوزخ، همه و همه توسط ملائیکه‌ها در محشرگاه جمع می‌شوند، اینک وقت آمدن پروردگار می‌باشد، خداوند متعال با انبوه از ملائیک با چنان عظمت و شأن و شوکت که شائستهٔ شأن خدا است، با چنان هیبت که تریون‌ها ملائیک در اطراف عرش صف کشیده اند، هشت ملائیک که هرکدام شاید از جهان ما بزرگتر باشد، عرش را حمل می‌کنند روبروی زمین قرار می‌گیرند در این حالت هیچ کس جرئت حرف زدن با

## ۸۶ / صلاح الدین سادات

پروردگار را ندارد حتی ملائیک ها و پیامبران مگر اینکه خداوند متعال اجازه سخن گفتن را بدهد. این واقعه را خداوند ﷻ در سوره الفجر از آیت (۲۱-۲۲) چنین می فرماید: وقتیکه پست کرده شود بلندی زمین پست کردنی و بیاید پروردگار تو و بیایند فرشتگان صف صف، این ملائیکه ها غیر آن ملائیکه های هستند که برای هرفرد دو ملائیک راهنما مقرر شده بود.

اولین حکمی پروردگار به تمام آنانیکه در محشرگاه هستند چه مؤمن باشد و چه غیرمؤمن، امر می شود که به پروردگار سجده کنند، آنانیکه نیک بخت و خوش طالع بودند و از دنیا با ایمان رفته بودند به سجده می روند اما آنانیکه به خدا ایمان نداشتند، نمی توانند سجده کنند، دل شان می خواهند که سجده کنند اما نمی توانند خود را خم کنند. بناءً به همان حالت قیام باقی می مانند، بعداً ملائیکه ها تمام آن کسانیکه به حالت قیام باقی مانده بودند را به حقارت تمام از موی سرشان و از پایشان گرفته به یک طرف محشرگاه جمع می کنند که آن طرف تاریکی مطلق است. این واقعه را خداوند متعال در سوره القلم آیت (۴۲) چنین می فرماید:

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۸۷

«يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيَدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ».

ترجمه: روزیکه نمایان کرده شود از پا چه خوانده شوند به سجده کردن پس نتوانند سجده کردن، خداوند ﷻ ساق‌های بلاکیف خود را نمایان می‌کند بعداً امر می‌کند که به پروردگار تان سجده کنید، کسی که ساق‌های نمایان شده را، دیده بتواند سجده هم کرده می‌تواند اما اگر دیده نتواند، سجده هم کرده نمی‌تواند چون پروردگار از دید کفار و منافقین در حجاب است. هم‌چنان در سوره الرحمن آیت (۴۱) چنین می‌فرماید: شناخته می‌شوند گناه‌کاران از قیافه‌شان پس گرفته می‌شوند از موی پیشانی و از پای شان، شناخته شدن از قیافه همین است که به حالت قیام می‌مانند پس شناخته می‌شوند که این‌ها مجرمین هستند، آنطرف که مجرمین را برده بودند، آنطرف کاملاً تاریک است اما آن طرف محشر که مؤمنین هستند آنطرف کاملاً روشن می‌باشد، این روشنی نه به روشنی خورشید روشن است و نه هم به روشنی مهتاب بلکه به روشنی نور پروردگار روشن می‌باشد. چنانچه خداوند متعال در سوره الزمر آیت (۶۹) چنین می‌فرماید: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا». ترجمه: روشن شود زمین به نور پروردگارش، آنانیکه در تاریکی

## ۸۸ / صلاح الدین سادات

هستند علاوه بر تاریکی چنان در عذاب روحی و جسمی گرفتار هستند که حتی در دوزخ احساس راحتی خواهند کرد، چنانچه خداوند متعال در سوره الفجر آیت (۲۴-۲۶) چنین می‌فرماید: گویند کافران چیزی پیش فرستادمی در زندگی خویش پس امروز عذاب نکند مانند عذاب او هیچکس و نه مقید سازد مانند مقید ساختن او هیچ کس، آن‌ها می‌بینند که هر آن چیزیکه خداوند ﷻ در دنیا توسط پیامبران گفته شده بود همه راست بوده است و دیگر چانس بازگشت هم ندارند، بسیار مأیوس می‌شوند اما آنانیکه زیر نور پروردگار هستند با وجودیکه میدان محشر یک میدان وحشت است، لکن به آن‌ها گل و گلزار، نمایان می‌شود چراکه آن‌ها جمال پروردگار شانرا تماشا کرده اند، به محض دیدن جمال پروردگار تمام غم و اندوه از یاد شان فراموش می‌شود، چنان خوشحالی برای شان میسر می‌شود که این خوشحالی را حتی در جنت هم پیدا کرده نمی‌توانند علاوه بر این خوشحالی، از طرف پروردگار، ندا می‌آید که ای نفس آرام گیرنده بازگرد بسوی پروردگارت خوشنود شونده، خوشنود کرده شده، سپس شامل شو در بندگان من و در

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۸۹

آی به جنت من، این ندا بحدی سرور می آفریند که حد و اندازه ندارد، این را خداوند ﷻ در سوره الفجر آیت (۲۷-۳۰) بیان نموده است.

از همین سبب پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: روز قیامت به اندازه ۵۰ هزار سال ما و شما است اما برای مؤمنین به اندازه دو رکعت نماز خواندن است، چون زمان زیادی میگذرد، اهل محشر مشوره می کنند که باید از مردم حساب گرفته شود، خوب و بد معلوم شود اما هیچ کس جرأت کرده نمی تواند که نزد پروردگار برود، همگی جمع میشوند و نزد حضرت آدم (علیه السلام) میروند از ایشان تقاضا می کنند که نزد پروردگار رفته وساطت کند که به حساب و کتاب مردم رسیدگی شود و خوب و بد از هم جدا شود، مگر حضرت آدم (علیه السلام) قبول نمی کند و تقاضای آنها را رد می کند سپس نزد حضرت نوح (علیه السلام) میروند آنها هم قبول نمی کند بعداً نزد حضرت ابراهیم خلیل الله و به همین ترتیب نزد حضرت موسی (علیه السلام) ، حضرت عسی (علیه السلام) میروند، خلاصه همه رد می کنند، بعداً تمام پیامبران به این موافقت می کنند که نزد پیامبر اسلام ﷺ بروند واز ایشان تقاضا کنند که نزد پروردگار رفته وساطت نماید و به حساب

۹۰ / صلاح الدین سادات

و کتاب مردم رسیدگی شود. بناءً پیامبر اکرم ﷺ روبه روی عرش به سجده میروند تا وقتی که خواست پروردگار است به حالت سجده باقی میمانند، بعداً از طرف عرش ندا میآید که ای محمد ﷺ! سرت را بالا کن، چه می‌خواهی؟ این همان مقام است که خداوند متعال در دنیا به پیامبرش وعده داده بود، یعنی مقام محمود. هم‌چنان در سوره‌  
والضحی آیت (۵) به پیامبر خدا ﷺ وعده داده شده بود، بعد از آن عطا خواهد نمود ترا پروردگار سپس، تو راضی شوی، پیامبر خدا ﷺ بعد از نزول این آیت به طرف صحابه‌ها گفتند که تا وقتی که یک نفر از اُمت من در دوزخ باشد راضی نمی‌شوم، سپس پیامبر خدا ﷺ سرش را بالا می‌کند عرض خود را پیش می‌کند از پروردگار تقاضا می‌کند که به حساب و کتاب مردم رسیدگی شود کسی که جنتی است به جنت برود و کسی که دوزخی است به دوزخ برود. تقاضای پیامبر اکرم ﷺ پذیرفته می‌شود و تسلیم دهی نامه اعمال شروع می‌شود، دوسیه‌های مردم از اول تا آخر ثبت است از ابتدای سن بلوغ شروع تا آخرین رمق حیات توسط کرام الکاتبین ثبت و محفوظ است و محفوظ نگهداری شده

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۹۱

است، امروز برای صاحبان شان تسلیم داده می‌شود، تسلیم دهی نامه اعمال هم به چند طریق است، شخص که نامه اعمالش توسط ملائیکه تسلیم داده می‌شود، شخص مؤمن با شد، بسیار با احترام تام به دست راست وی داده می‌شود و برایش خوش خبری هم می‌دهد که کامیاب هستی، آن شخص تا این دم از تمام اقارب خود پنهان می‌شد، حتی از پدر، مادر، برادر و خواهر و از همه نزدیکان، خود را پنهان می‌نمود تا مبادا کدام چیزی از کار خیرش طلب کنند. بناءً خود را در خفا نگه میداشت اما حالا چنان مسرور است که خود را گرفته نمی‌تواند. در میان مردم، خویشاوند باشد یا بیگانه صدا می‌زند، او مردم بیایید نامه اعمال مرا بخوانید، در نامه اعمال من چه نوشته شده است؟! این پیش کردن نامه اعمالش به مردم به معنی این نیست که خودش نداند، این نهایت حد سرور است، گویا که به مردم وانمود می‌کند که بنده پیروز شده است گرچه این پیروزی قطعی نیست که مستقیم به جنت برود بلکه راه بسوی خوبی است. این شخص بسیار پریشان بود و فکر میکرد که مبادا نامه اعمالم به دست چپم داده شود، حالا از این تشویش خلاص شد، این هم یک موفقیت بزرگ است، چنانچه خداوند ﷻ در

## ۹۲ / صلاح الدین سادات

سوره الانشقاق آیت (۷-۹) چنین می‌فرماید: پس کسی را که داده شد نامه اعمالش بدست راستش، به زودی از وی حساب گرفته می‌شود حساب آسان باز می‌گردد بسوی اهل خود شادمان شده. اما آنانیکه نامه اعمال شان بدست چپ و یا از پشت سر داده شود، دیگر آن‌ها بسوی خوبی نخواهند رفت، آینده آنان روبه خرابی خواهد بود آن‌ها می‌گویند، ای کاش که این نامه اعمال به من داده نمی‌شد. چنانچه خداوند متعال در سوره الانشقاق آیت ده تا سیزده تذکر داده است. بعدا خداوند متعال برای ملائیکه‌های مسوول امر می‌کند که برای تمام پیامبران کارت زمانی، توزیع شود، در آن کارت نوشته شود که فلان پیامبر همراه اُمت خود در فلان زمان به وقت مشخص که در همان کارت ذکر شده است، برای محاسبه حاضر شوند، همه وقت معین خود را می‌دانند و یا هم به همان وقت معین ملائیکه مسوول صدا می‌زنند، فلان پیامبر همراه با اُمت خود برای محاسبه حاضر شوند، به نوبت حاضر میشوند. چنانچه خداوند متعال این، زمان مشخص شدن را در سوره مرسلات آیت (۱۱) چنین می‌فرماید: «وَإِذَا الرُّسُلُ أْقَتَّتْ». ترجمه: و چون برای

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۹۳

پیامبران وقت مقرر شود، میدان بُردن و باختن شروع می‌شود، کی می‌برد و کی می‌بازد هر پیامبر که همراه اُمتش حساب و کتابش خلاص شود، فوج فوج به طرف جنت و فوج فوج هم طرف دوزخ برده می‌شوند.

### داخل شدن جنتی ها به جنت

آن فوج که به طرف جنت برده می‌شود، راه شان از میانه همان مردمان که در تاریکی مطلق بودند عبور می‌کند، گرچه این جنتی‌ها از ساحه که نور پروردگار روشنی می‌کند، برآمده اند، حالا از این تاریکی با نور خودشان عبور می‌کنند، این نور تمام اطراف شان را روشن می‌کند، علاوه بر آن هر لحظه ملائیکه‌ها برای شان خوش خبری میدهند که شما را طرف جنت می‌بریم هر ملائیکه که از پیش روی شان می‌برآید برای شان می‌گوید خوشا به حال تان ای بندگان خدا به سبب نور که از پیکر شان نمایان شده است، می‌فهمند که این ها جنتی ها اند، اکثریت این جنتی ها همراه با فامیل های شان یکجا به طرف جنت روان هستند،

## ۹۴ / صلاح الدین سادات

این واقعه را خداوند متعال در سوره الحديد آیت (۱۲) مفصلاً ذکر نموده است: آن عده مردمیکه در تاریکی بودند نور پروردگار نصیب شان نشده بود این حالت را می بینند، درد و رنج شان دهها برابر افزون می شود، بعضی منافقین ناخواسته همراه جنتی ها یک جا می شوند، شروع به رفتن می کنند از جنتی ها سوال می کنند که شما این نور را از کجا گرفتید؟ جنتی ها می گویند، اگر شما هم می خواهید چنین نوری داشته باشید پس بروید به جای که ما از آنجا گرفتیم، این ها در همین وقت گفتگو ناگهان دیواری بین جنتی ها و منافقین حائل می شود، آن طرف دیوار که جنتی ها است، چنان صدای شوق و ذوق و صداهای پرندگان مختلف به گوش میرسد و منافقین در همان تاریکی مطلق باقی می مانند، چقدر مأیوس کننده است.

این واقعه را خداوند متعال در سوره الحديد از آیت (۱۳) - (۱۵) مفصلاً ذکر نموده است: وقتی که این ملائیکه ها، جنتی ها را نزدیک دروازه جنت رساند به ملائیکه های که مسوول جنت هستند تحویل میدهد، مسوولین جنت آن ها را به خوشی تحویل می گیرند و برای شان خوش آمدید

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۹۵

می‌گویند، بسیار به استقبال گرم از آن‌ها پذیرایی می‌کنند، بعداً مکتوب که بعد از محاسبه به جنتی‌ها داده شده بود را از آنان می‌گیرد، هرچیزی که در آن نوشته شده باشد، از درجه جنت و به کدام جنت و از کدام دروازه جنت که داخل جنت شوند، طبق مقررات همان مکتوب، داخل جنت می‌شوند، لباس‌های که ساخته شده از ابریشم خالص است به جنتی‌ها پوشانیده می‌شود، حورهای جنتی که تا ایندم در خیمه‌های مهر و لاک شده بودند، برای شخص جنتی معرفی می‌شوند. مهر و لاک آنرا توسط اسباب که به دست شخص جنتی داده شده است، باز می‌کند و حور جنتی به وی سلام می‌کند و به بسیار احترام تام برایش می‌گوید، خداوند ﷻ مرا به تو خلق کرده من از تو می‌باشم، قبل از این شخص، هیچ کس نه انس و نه جن اورا دیده است و هم‌سن و سال شخص جنتی می‌باشد. بنا به روایات صحیح، سن جنتی‌ها ۱۸ سال می‌باشد.

۹۶ / صلاح الدین سادات

### داخل کردنِ دوزخی‌ها در دوزخ

آن‌عهه مردمیکه محکوم به دخول دوزخ شده‌اند، ملائیکه‌های مسوول آن‌ها را فوج فوج به طرف دوزخ می‌برند، هر ملائیکه که از مقابل شان می‌رسد، برای شان نفرین می‌کند، وقتیکه به دوزخ می‌رسند، ملائیکه‌های مسوول آن‌ها را به مالکین دوزخ تسلیم میدهند. اولین و آخرین سخن نرم که ما لک دوزخ به این دوزخی‌ها می‌گوید اینست، آیا به شما پروردگار عالم از این واقعه خبرنداده بود که به این بلا گرفتار شدید؟ آن‌ها اعتراف می‌کنند که بلی! خداوند متعال به ما پیامبرانی فرستاده بود، تمام واقعات قیامت را برای ما توضیح داده بودند، اما ما قبول نکردیم و ایمان نیاوردیم. هر فوج دوزخی که به دوزخ انداخته می‌شود،

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۹۷

چنان صدای دلخراش از دوزخ بیرون می‌شود که دلها را تخریش می‌کند، در آن موقع دوزخ چنان به خشم است که نزدیک است این خشم، دوزخ را بترکاند، حتی مالک دوزخ یک بار به آنها جواب نمی‌دهد. بعد از اینکه دوزخی‌ها به دوزخ انداخته شدند، خوراک آنها از چرک و زردآب دوزخی‌ها و از زقوم که محصول درختی است که در داخل دوزخ پرورش یافته است، بسیار تلخ که گلوها را پاره می‌کند، می‌باشد. هر بار که بخواهند از دوزخ بیرون شوند، توسط ملائیکه‌ها پس زده میشوند، این واقعه را خداوند متعال در سوره‌ه ملک از آیت (۱۱-۸) مفصلاً بیان نموده است، از دوزخی‌ها سوال می‌شود که شما چقدر در دنیا زندگی کرده بودید که به این بلا گرفتار شدید؟ بعضی‌های شان می‌گویند، ساعتی و بعضی‌های شان می‌گویند، چاشتی و بعضی‌ها هم مگویند شامی، به همین خاطر پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: زندگی دنیا یک لحظه است همین یک لحظه را هم به غفلت سپری نکنید. گرچه این محاسبه بسیار به سرعت محاسبه می‌شود، با وجود آنهم ممکن صدها سال دوام داشته باشد، چراکه از ابتدای صور اول تا آخرین محاسبه به اندازه ۵۰ هزار سال این دنیا می‌باشد.

## ۹۸ / صلاح الدین سادات

میدان محشر اندک اندک خلوت می‌شود و آخرین افراد که محاسبه میشوند، دو نفر در میدان محشر باهم روبرو میشوند، یکدیگر را می‌شناسند، یکی از این دونفر در تمام عمر یک ثواب دارد و آن دیگر ثواب های زیاد دارد و در مقابل گناه هان زیاد نیز دارد، یعنی که گناهانش برابر با ثواب هایش هستند، این شخص گناهکار که در نامهٔ اعمالش به جز یک ثواب چیزی دیگر ندارد، به شخص دیگر می‌گوید ای فلانی چه شده ترا، تاهنوز اینجا هستی؟ تو که آدم خوب بودی، نماز میخواندی، حج کرده بودی، زکات میدادی، روزه میگرفتی، سخاوت هم داشتی تو که به مثل من از خدا بی خبر نبودی، پس چرا اینجا مانده ای؟ او در جواب می‌گوید، بلی همین طور است هرچیزی که گفתי راست است، تمام نیکی داشتم حالا هم دارم، فقط به یک ثواب نیکی بند مانده ام، نزد هرکسی که رفتم هیچ کس حاضر نشد که یک ثواب نیکی به من بدهد. بناءً بخاطر یک ثواب نیکی این جا مانده ام، آن شخص یک ثوابه می‌گوید، تو که با این همه ثواب داخل جنت نشدی‌ای، من با این یک ثواب چطور داخل جنت شده بتوانم، همین یک ثواب

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۹۹

من از تو باشد، و همان یک ثوابش را به وی میدهد، خداوند ﷻ از این عمل آنها خوشنود می‌شود، هردو را داخل جنت می‌سازد.

آخرین فردیکه حساب و کتاب می‌شود، کسی است که گناه های فراوان دارد، از گناه های کبیره و صغیره ، مگر این شخص در دنیا توبه کرده، خداوند متعال توبه او را قبول کرده، گناهان وی را بخشیده است، مگر این شخص، از آن آگاهی ندارد.

وقتیکه خداوند متعال محاسبه می‌کند برایش می‌گوید، ای فلانی تو این گناه را نکرده بودی؟ آن شخص می‌گوید بلی پروردگارا! کرده بودم. دوباره می‌پرسد، فلان وقت این گناه دیگر را نکرده بودی؟ آن شخص دوباره اقرار می‌کند که بلی کرده بودم، خلاصه تمام گناهان آن شمره می‌شود، آنهاهم تصدیق می‌کند. مگر تمام گناهان شمرده شده گناهان صغیره اوست، گناهان کبیره وی به کلی یادآوری نشده است. پروردگار به آن شخص می‌گوید، برو بخشیدمت داخل جنت شو، آن شخص چند قدم پیش می‌رود به دلش می‌گردد که گناهان شمرده شده من همه گناهان صغیره بود، تمام گناهان کبیره من هنوز پرسیان نشده است، علاوه

۱۰۰ / صلاح الدین سادات

بر آن اینقدر مردمی که اینجا بودند همه اینها به جنت رفته باشند دیگر در جنت جای باقی نمانده است که من داخل آن شوم. این مرد مذبذب می‌شود، به عقب برمیگردد به طرف عرش، خداوند ﷻ می‌گوید، ای فلانی چرا برگشتی؟ آن شخص جواب میدهد، پروردگارا تو که پروردگار عالمیان هستی با هیچ کس شوخی نداری، با من بیچاره چه شوخی میکنی، در جنت جای در کجاست که من داخل آن شوم؟ خداوند ﷻ برایش می‌گوید، برو هراقتدر که چشمت کارمی‌کند برایت جای هست، بعداً به ملائیکه‌های راهنما تسلیم داده میشود، تا آن شخص را به طرف جنت ببرند. تمام آنانیکه محاسبه شده اند به چهار گروه تقسیم میشوند. آنانیکه تراوی اعمالشان به طرف نیکی سنگین شده است، داخل جنت می‌شوند و آنانیکه تراوی اعمالشان مساوی بوده، چندین زمان میان جنت و دوزخ جایی به نام اعراف است باقی می‌مانند، هرگاه خواست خداوند متعال بود به جنت می‌روند. و آنانیکه تراوی اعمالشان طرف نیکی سبک و طرف بدی سنگین باشد اما خودشان مؤمن باشند مدتی در دوزخ میمانند، بعد از پاک شدن گناهان به جنت داخل

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۱۰۱

میشوند، گرچه اینها در درجهٔ پائین تر جنت برده می‌شوند مگر هرگز فکر نمی‌کنند که درجهٔ شان از دیگر جنتی‌ها پائینتر باشد، هر قدر جنتی‌های بلند مرتبه را ببینند فکر می‌کنند که از آنها بالاتر اند، اما کسانی که کافر باشند همیشه در دوزخ می‌مانند به این ترتیب رسیدیم به آخرین روز قیامت.

### پایانِ عالم

به فنا شدنِ عالم همه متفق اند که روزی جهان نابود خواهد شد، چه از نگاه علمی و چه از نگاه قرآن اما دانشمندان علوم نجومی در بارهٔ نابودی عالم اتفاق نظر ندارند، هر کدام هر چیزی می‌گویند، بعضی‌های شان می‌گویند، جهان دور یک سیاه چالهٔ بزرگ می‌چرخد، جاذبهٔ این سیاه چاله به مرور زمان آنقدر قوی می‌شود که قبلاً جهان را گسترش داده بود، حالا به جذب کردن آن شروع می‌کند، به مرور زمان تمام اجرام عالم را می‌بلعد. از همان نقطه‌ای که پدید آمده بود، ناپدید می‌شود، بعضی دانشمندان دیگر می‌گویند که بقای جهان وابسته به مواد سوختی آن است. هرگاه مواد سوختی جهان خاتمه پیدا کند جهان هم به آخر میرسد.

## ۱۰۲ / صلاح الدین سادات

بعضی دانشمندان قسم دیگری می‌گویند، هیچ کدام دقیق نمی‌باشند اما از نگاه قرآن خداوند متعال در باره نابودی عالم چنین می‌فرماید: «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ». ترجمه: تمام چیز نابود شونده است مگر ذات پاک پروردگار، یعنی زمانی همه از بین خواهند رفت.

از بین رفتن عالم را از نگاه قرآن به بررسی میگیریم: جهان متشکل است از یک فضای تاریک تاریک، ساکن وساکت و بدون تحرک، این فضای بدون تحرک نه ابتداء دارد و نه هم انتها همیشه خواهد بود. داخل این فضای تاریک یک ماده تاریک دیگر است که بسیار قوی اما غیر مرئی که به چشم دیده نمی‌شود، آنقدر قوی است که همه کهکشان‌ها و ستاره‌ها و سیارات را هم میسازد و هم در فضاء نگه میدارد و هم دور خود میچرخاند، با وجود این همه عظمت به چشم دیده نمی‌شود. این قوه نامرئی را خداوند متعال در قرآن کریم بنام قائم گیرنده یاد کرده است، چنانچه در سوره رعد، آیت (۲)، هم چنان در سوره لقمان، آیت (۱۰) چنین می‌فرماید: «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا». ترجمه: پیدا کرده خداوند ﷻ آسمان‌ها را بدون ستون که ببینید آنرا،

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۱۰۳

«ستون» همان قائم گیرنده یعنی آسمان‌ها را خداوند ﷻ با یک قوه ننگه داشته که آن قوه را به چشم دیده نمی‌شود نه تنها این قوه نامرئی را قرآن کریم ذکر می‌کند بلکه دانشمندان علوم نجومی هم این را تأیید کرده‌اند. آن‌ها می‌گویند که تمام اجرام چشم دید عالم مانند، کهکشان‌ها، ستاره‌ها و سیاره‌ها فقط ۵٪ اجرام کل جهان را تشکیل میدهد. ۹۵٪ اجرام دیگر غیر مرئی‌اند، این قوه نامرئی از ابتداء پیدائشش شروع به گسترش میکند، آنهم به سرعت نوری، یعنی در هر ثانیه ۳۰۰ هزار کیلومتر وسعت پیدا می‌کند. این قوه غیرمرئی را خداوند متعال به یک بحر بی کران تشبیه کرده است و آن چیزیکه داخل این بحر پدید می‌آید آنرا شناور گفته است و به این سرعت نوری، خداوند ﷻ قسم یاد کرده است، چنانچه در سوره نازعات آیت (۳) چنین می‌فرماید: «وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا». ترجمه: قسم به شنا کنندگان بسرعت، این وسعت به سرعت نور میلیاردها سال یا تا وقتیکه پروردگار بخواهد دوام می‌کند. بعداً به امر مستقیم پروردگار وسعت عالم متوقف می‌شود، چنانچه که در ابتداء امر گسترش آنرا داده بود و یا هم اگر خداوند متعال حضرت اسرافیل را برای نابودی عالم خلق

## ۱۰۴ / صلاح الدین سادات

کرده باشد. پس حضرت اسرافیل در صور خود می دمدمثلیکه در شروع قیامت دمیده بود، هرآن چیزیکه در کهکشان راه شیری بود از فعالیت مانده بود، اینجا هم عین شکل، به مجرد شنیدن صدا، گسترش عالم متوقف می شود، چون آن اسباب که نامش را صور نامیده اند متصل است به همان قوه نامرئی که کل کائنات را در فضا نگه داشته است، حالا توسط صور اسرافیل تمام فعالیت عالم متوقف میشود. آهسته آهسته ستارگان نور خود را از دست میدهند مثل استخوان سوخته سفیدی دارند اما نور ندارند، چنانچه خداوند متعال در سوره التکویر آیت (۱)، هم چنان در سوره الانفطار آیت (۲) تذکر داده است، دیگر هیچ چیزی عالم فعالیت نمی کند همه به خاموشی میروند، تاریکی همه جا را فرا می گیرد، زمان زیادی بدین حال باقی خواهند ماند، بعداً پروردگار عالم همان قوه نامرئی را که تمام عالم را توسط آن ساخته است، از تمام بدنه اجرام عالم مثل لوله کاغذ جمع می کند. چنانچه در سوره الزمزم آیت (۶۷) چنین می فرماید: «وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ». ترجمه: و آسمانها پیچانیده شده باشند در دست راست او، هم چنان

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۱۰۵

در سوره التکویر آیت (۱۱) چنین می‌فرماید: «وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ». ترجمه: و وقتیکه آسمان مثل پوست برکنده شود، وقتیکه این قوه مثل لوله کاغذ جمع کرده شد و یا هم مثل پوست بدن از بدن کنده شد دیگر اجرام عالم بدون متکی میماند، بدون متکی در فضا ایستاده شده نمی‌تواند و شروع به افتیدن می‌کند، بالای یک دیگر، چنانچه در سوره فاطر آیت (۴۱) چنین می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أُمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ». ترجمه: به تحقیق الله نگه میدارد آسمان‌ها و زمین را ازاینکه بیافتند قَسَم است که وقتیکه افتیدن شروع شود هیچ قدرتی نمی‌تواند از افتیدن آن جلوگیری کند، خداوند ﷻ قسم یاد می‌کند که این واقعه افتیدن حتماً زمان به وقوع می‌پیوندد، وقتیکه افتیدن شروع شود، هیچ قدرتی دیگر نمی‌تواند جلو آنرا بگیرد. این افتیدن بالای یکدیگر شاید مدت‌ها زمان دوام داشته باشد. درابتداء اجرام عالم بنا به عدم فعالیت، تماماً نور خود را از دست داده بودند مگر آتش درون هسته آن‌ها کاملاً خاموش نشده است، حالا بنا به اثر برخورد یکدیگر تمام کهکشان‌ها، ستاره‌ها و سیاره‌ها تکه و پارچه می‌شوند. چنانچه در سوره الانفطار آیت (۲-۱)

## ۱۰۶ / صلاح الدین سادات

می فرماید: وقتیکه آسمان شکافته شود و وقتیکه ستاره‌ها فرو ریزد، بنا به اثر فرو ریختن بالای یکدیگر آتش داخل هسته آن‌ها به بیرون، تمام عالم آتش سرخ می‌گردد. چنانچه خداوند متعال در سوره الرحمن آیت (۳۷) چنین می‌فرماید: «فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ». ترجمه: پس چون پاره گردد آسمان پس شود گلابی مانند درد وقتیکه بلندی‌ها پاره شود آتش به بیرون سرایت نموده مثل آتش فشان که آتش را به بیرون فوران میدهد، آتش مثل سیل رفتار می‌کند هم‌چنان در سوره المعارج آیت (۸) چنین می‌فرماید: «يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ». ترجمه: روزی که گردد آسمان مانند مس گداخته شده وقتیکه مس را در کوره آهنگر بمانی توسط آتش سرخ می‌گردد فضای عالم هم بنا به اثر برخورد یکدیگر تمام عالم آتش سرخ می‌گردد، بعد از گذشت مدت مدید اثر از آتش باقی نمی‌ماند، تمام اجرام عالم که تکه و پارچه شده‌اند، بعد از گذشت مدت‌ها زمان بر ماده تبدیل می‌شود که هرگاه پروردگار عالم همان قوه نامرئی را که مثل لوله کاغذ جمع کرده بود، مجدداً امر گسترش آنرا بدهد با این ماده بر

## پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۱۰۷

خورد میکند بنا به اثر تصادم، انفجاری صورت می‌گیرد، توسط این انفجار، کهکشانشها و ستاره‌ها مثل سابق پدید می‌آیند، بار دوم شکل‌گیری عالم را خداوند ﷻ رد نمی‌کند بلکه تأیید می‌کند. چنانچه در سوره یاسین آیت (۸۱) چنین می‌فرماید: «أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ (بَلَىٰ)». ترجمه: آیا نیست آن ذاتیکه پیدا کرده آسمان‌ها و زمین را قادر بر اینکه بسازد مثل آنها، بلی! می‌تواند یعنی خداوند ﷻ به کلمه بلی ثابت ساخت که بعد از نابودی عالم، عالم دیگری مثل آنها خواهد ساخت. هم‌چنان در سوره هود آیت (۱۰۶) در باره جنتی‌ها و دوزخی‌ها می‌فرماید: همیشه می‌باشند دوزخی‌ها در دوزخ و جنتی‌ها در جنت، مادامیکه آسمان‌ها و زمین هست، آنها در دوزخ و جنت میمانند، درحالیکه آسمان‌ها و زمین قبلاً در قیامت از بین رفته است، این آسمان‌ها و زمین که ذکر می‌کند بعداً پیدا کرده است. بناءً پیدائش عالم جدید بعد از فنای عالم گذشته از نگاه قرآن جریان خواهد داشت، هرگاه جهان فنا شود، جهان جدید پدید می‌آید، منتها فاصله زمانی آنها شاید میلیونها سال باشد.

والله اعلم بالصواب و هو علی کل شیء قدیر.



## خلاصه موضوع:

تا جایکه بر همه‌گان معلوم و هویداست، بحث پیدائیش جهان یک موضوع خیلی وسیع و حساس است، حتی در اکثر موارد بسیاری از علماء اسلام در این رابطه اتفاق نظر ندارد، اما از نگاه علم ساینس ثابت شده است، آنچه که قرآن کریم، چهارده صد سال قبل بیان نموده، ثابت است. به عنوان مسلمان نیاز میدانیم که قرآن کریم را مهمترین و والاترین مرجع برای اثبات حقایق همه مسایل به ویژه چگونگی «پیدائیش جهان» بدانیم و لازم است با پیروی از این مرجع بزرگ و همه شمول در تمامی موارد استفاده معقول نماییم. بناءً آنچه در این رساله گفته شده است، همه و همه برگرفته از آیات مرتبط به این موضوع می‌باشد.



**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)  
Ketabton.com: The Digital Library**